

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران


بسم الله الرحمن الرحیم

امامت ، غیبت ، ظهور

نویسنده:

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امامت، غیبت، ظهور

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : امامت غیبت ظهور/ واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران

مشخصات نشر : قم مسجد مقدس جمکران ۱۳۷۵.

مشخصات ظاهری : ۱۳۶ ص.

شابک : ۲۵۰۰ریال

یادداشت : عنوان روی جلد: غیبت ظهور، امامت

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس عنوان روی جلد : غیبت ظهور، امامت

موضوع : محمدبن حسن عج ، امام دوازدهم ۲۵۵ق - -- احادیث

موضوع : مهدویت -- انتظار.

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

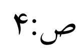
رده بندی کنگره : BP۵۱/الف ۷۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۶-۷۵۳۹

ص:۱

اشاره



پیشگفتار

سخن از «مهدی علیه السلام» سخن از «هدایت» است.

سخن از «غیبت» حدیث «جستجو» است.

سخن از «انتظار» روایت «حرکت و پویایی» است.

سخن از «ظهور» بحث از «اشتیاق رهایی» است.

«شوق رهایی» «حرکت» می آفریند، و نتیجه «جستجو» حصول «هدایت» است.

«شیعه بودن» با جمود و سکون سازگار نیست. «شیعه» یعنی «پیرو» و لازمه «پیروی» جهت گیری «رفتار و روش» و شکل گیری «سلوک و عمل» است.

«شیعه مهدی علیه السلام» بودن، با گمراهی و بی تفاوتی در برابر انحرافات نمی سازد.

و «انتظار ظهور» داشتن، با ماندن در تاریکی ها و تسلیم در برابر وضع موجود قابل جمع نیست.

در آستانه سالگرد میلاد پرشکوه امام زمان علیه السلام، با یاد امام راحل قدس سره که با نور وجودش، راه انتظار را روشن تر ساخت و با یاد شهیدان که با نثار خونشان، نزدیکی طلوع خورشید را نوید دادند، و با امید گسترش روشنای سپیده دم انقلاب اسلامی به همه آفاق گیتی با هدایت مقام معظم رهبری - دام ظلّه العالی - ، حاصل تلاشی مختصر پیرامون «امامت، غیبت، ظهور» را به شما منتظران حضرت مهدی علیه السلام تقدیم می داریم.

آرزومندیم در تقارن سالگرد میلاد مصلح بزرگ تاریخ بشریت، حضرت مهدی - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - و یاور عالی مقامش حضرت عیسی مسیح علیه السلام که یادآور حماسه پرشکوه ظهور متقارن آن دو بزرگوار می باشد، و اقتدای شکوهمند و پرمعنای آن پیامبر اولوالعزم علیه السلام، به ولیّ اللّه الأعظم، آخرین ذخیره الهی و کامل ترین عبد صالح خدا در زمین را، فرا یاد منتظران سوخته جانش می آورد، این هدیه ناچیز مقبول درگاه حضرت احدیت واقع گردد.

اَللَّهُمَّ ارْزُقْنا تَوْفِیقَ الطّاعَهِ وَبُعْدَ المَعْصِیَهِ وَصِدْقَ النِّیَّهِ وَعِرْفانَ الحُرْمَهِ وَأَکْرِمْنا بِالهُدی وَالِاسْتِقامَهِ، آمِینَ رَبَّ العالَمِینَ

واحد تحقیقات

مسجد مقدّس جمکران

پانزدهم شعبان ۱۴۱۷

شناخت حضرت مهدی علیه السلام

ولادت حضرت مهدی علیه السلام

آسمان و زمین چشم انتظار ولادت او بود. خورشید هم به انتظار آمدن او نشسته بود. ارواح پاک همه پیامبران و اولیای الهی، گرداگرد خانه امام حسن عسکری علیه السلام منتظرانه در آرزوی دمیدن نور جمال او بسر می بردند. فجر نیمه شعبان بود. صدای آشنای اذان در کوچه پس کوچه های غریب شهر سامرا می پیچید: «أشهد أن لا إله إلاّ اللَّه، أشهد أنّ محمّداً رسول اللَّه».

سیصد و هشت سال پیش که خورشید وجود پیامبرصلی الله علیه وآله در آسمان مکه طلوع کرد، ظلمات شرک همه جا را آکنده بود و صدای هلهله بت پرستان بر گرد الهه های تراشیده از چوب و سنگ، فضا را آلوده ساخته بود.

اما اینک در سال ۲۵۵ هجری قمری در آستانه طلوع آخرین خورشید هدایت و رهبری، بانگ توحیدی «لاـ إله إلاّـ اللَّه» از مرزهای شبه جزیره عرب تا شام و قسمتهای وسیعی از قاره افریقا همه جا طنین انداز شده و شهادت به رسالت محمدصلی الله علیه وآله بر مأذنه های سرتاسر سرزمین وسیع اسلامی هر صبح و شام تکرار می شود. با این همه، جاهلیت - اگرچه در چهره ای جدید - هنوز پابرجاست و با محصور ماندن اهل بیت علیهم السلام، ظلمت شرک همچنان باقی است و بت های کاخ نشین در لباس خلافت پیامبرصلی الله علیه وآله همچنان دست اندر کار محو توحیدند.

ص:۱۱

شاید از این روست که حضرت مهدی علیه السلام در آغاز ولادت، زبان به ذکر شهادتین می گشاید:

«أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ؛(۱) گواهی می دهم که هیچ معبودی جز پروردگار متعال نیست که شریک ندارد و گواهی می دهم که محمّدصلی الله علیه وآله فرستاده اوست».

یا به روایتی دیگر؛ در همان آغازین لحظه های تولّد زانو می زند و می گوید:

«اَلحَمْدُ للَّهِ رَبِّ العالَمِینَ وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، زَعَمَتِ الظَّلَمَةُ أَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ داحِضَةٌ، لَوْ أُذِنَ لَنا فِی الکَلامِ أَزالَ الشَّکُّ؛(۲)

سپاس خدای را که پروردگار عالمیان است، و سلام و صلوات خدا بر محمد و خاندانش باد. ستمگران گمان بردند که حجّت خدا نابود شدنی است! در حالی که اگر به ما اجازه سخن گفتن داده می شد، شک و تردید مردم درباره ما از بین می رفت».

امام حسن عسکری علیه السلام که اینک با دیدن چهره زیبای اولین و آخرین فرزند خویش، وعده خدا را عملی می یافت، سرشار از شادی، سر به سجده گذاشت و گفت:

«اَلحَمْدُ للَّهِ الَّذِی لَمْ یُخْرِجْنِی مِنَ الدُّنْیا حَتّی أَرانِی الخَلَفَ مِنْ بَعْدِی(۳)؛ سپاس خدایی را که مرا زنده نگه داشت تا فرزند و جانشین مرا به من بنمایاند».

سپس سر برداشت و به حاضران نگریست و فرمود:

۱- ۱. منتخب الأثر: ص ۳۳۲.
۲- ۲. همان: ص ۳۴۱؛ کمال الدین: ج ۲، باب ۴۲، ص ۴۳۰.
۳- ۳. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۱۶۱.

«أَشْبَهُ النّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ خَلْقاً وَخُلْقاً يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبارَكَ وَتَعالى فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يَظْهَرُهُ فَيَمْلأَ الأَرْضَ عَدْلاً وَقِسْطاً كَمامُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً؛(۱) او در صورت و سیرت، شبیه ترین مردم به رسول خداصلی الله علیه وآله است، خدا او را در دوران غیبتش محفوظ می دارد و سپس ظاهر می گرداند تا زمین را آن چنان که از جور و ستم پر شده باشد، از عدالت و داد آکنده سازد».

اشک شوق چشمان حضرت نرجس علیها السلام را پر کرده بود، آن قدر شاد بود که آرامش بستر تاب نمی آورد. برخاست و نشست و به صورت نورانی و چشمهای درشت فرزندش خیره شد. حضرت مهدی علیه السلام که در آغوش حکیمه خاتون قرار داشت، دست هایش را به طرف مادر دراز کرد و لحظه ای بعد در آغوش گرم او جای گرفت.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «او چنان که جدّمان رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود، همنام و هم کنیه ایشان خواهد بود، پس نامش محمّد و کنیه اش ابوالقاسم است».

صدای دل نواز «صلوات» در فضای خانه کوچک امام حسن عسکری علیه السلام پیچیده بود و همه اهل خانه به رسول خداصلی الله علیه وآله می اندیشیدند که ای کاش او هم بود ... که البته بود.

* * *

راه شناخت حضرت مهدی علیه السلام

برای شناخت حضرت مهدی علیه السلام و ویژگی های شخصی وکیفیت غیبت و ظهور او هیچ وسیله ای بهتر از آیات شریفه قرآن کریم و روایات

۱- ۴. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۱۶۱.

معصومین علیهم السلام نیست. با اینکه در این زمینه و با استناد به همین آیات و روایات، بیش از هزار کتاب و رساله نوشته شده است، باز هم به طور یقین می توان گفت که در تمامی آنها، جز بخش کوچکی از معارف مربوط به آخرین ذخیره الهی تبیین نشده است؛ زیرا ابعاد وجودی او را - هم چنان که درباره امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اند - کسی جز خدا و پیامبرصلی الله علیه وآله به تمام و کمال نشناسد، و باز کلام خدا و پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را هر کسی به درستی فهم نتواند کرد.

علاوه بر این، خاصیت دوران غیبت است که نمی توان مطمئن بود که همه فرمایشات آنان به ما رسیده باشد. با این همه، آنچه در پی می آید، تنها مروری بر پاره ای عناوین و ذکر نمونه هایی در هر باب است، بسان برگرفتن قطره هایی از دریای بیکران، که گفته اند:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

* * *

حضرت مهدی علیه السلام و قرآن

الف) همپای قرآن

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در سفارش مشهور خویش فرمود:

«إِنِّی تارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتابَ اللّهِ وَعِتْرَتِی ما إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِما لَنْ تَضِلُّوا أَبَداً(۱)؛ من در بین شما دو امانت گرانبها (کتاب خدا و اهل بیت) باقی می گذارم تا زمانی که به آن دو چنگ زده باشید هرگز گمراه نخواهید شد».

۱- ۵. کنز العمال: ج ۱، ص ۴۴؛ مسند احمد بن حنبل: ج ۵، ص ۸۹ و ۱۸۲.

و بدین سان بر همپایی و همراهی خاندان خویش علیهم السلام با قرآن کریم تأکید نمود، این تأکید دلالت بر این دارد که در زمان ما، کتاب خدا جز در کنار مهدی آل محمدعلیهم السلام که یگانه ذخیره و باقیمانده این دودمان پاک است، کتاب هدایت انسانها نتواند بود و از گمراهی و سرگردانی مردم، جلوگیری نتواند کرد.

و نیز رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِیٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِیٍّ لا یَفْتَرِقانِ حَتّی یَرِدا عَلَیَّ الحَوْضَ؛(1) علی علیه السلام با قرآن است و قرآن با علی علیه السلام است، هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا آن زمان که در حوض کوثر بر من وارد شوند».

با توجه به اینکه در این عصر، وصایت و وراثت حضرت علی علیه السلام در همه مقامات ولایتی و شؤونات هدایتی اش تنها از آن حضرت مهدی علیه السلام می باشد، بر چنین همراهی و همپایی و معیّتی، بین او و قرآن نیز دلالت دارد.

ب) شریک قرآن

همه ائمه بزرگوار، «شرکاء قرآن کریم» شمرده شده اند.(2) چنانکه به طور ویژه در یکی از زیارت های مخصوصه حضرت مهدی علیه السلام با تعبیر «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا شَرِیکَ الْقُرْآنِ» از ایشان یاد شده است.

ج) تلاوت کننده و ترجمان قرآن

از آن رو که تلاوت آیات کتاب خدا بهترین وسیله انس با خداست، و

۱- ۶. ینابیع الموده: ج ۲، ص ۲۶۹.

۲- ۷. زیارت جامعه، از ملحقات مفاتیح الجنان؛ «السلام علیکم أئمّه المؤمنین... وعباد الرحمن وشرکاء القرآن...».

برای مقرّبان درگاه حقّ هیچ لـذّتی بالاتر از خواندن قرآن و تدبّر در آن نیست، حضـرت مهدی علیه السـلام که در این دوران والاـترین درجـات انس و بالاـترین مقامات قرب الی اللّه را داراست، شایسـته ترین کسـی است که به عنوان «یا تالِیَ کِتابِ اللّهِ وَتَرْجُمانِهِ»(۱) می تواند مورد خطاب قرار گیرد.

د) قرائت کننده و تفسیرگر قرآن

برای قرائت و تفسـیر قرآن کریم چه کسـی شایسـته تر از حضـرت مهـدی علیه السـلام است که در این زمان «چراغ هـدایت» و «حامـل علوم قرآن» و «نگاهبـان گنجینه دانش الهی» و «حافـظ سـرّ خـداست» و تنهـا اوست که «امانـات نبوّت» و «ودیعت هـای رسالت» در این عصـر به او سپرده شده است؟(۲) اوست که قرآن را چونـان که پیامبر و علی علیهما السـلام قرائت می کردنـد، قرائت می کنـد و آن چنان که خـدای محمـد و علی علیهما السـلام می پسـندد و مقرر فرموده است، تفسـیر می نمایـد: «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ تَقْرَءُ وَتُبَیِّنُ».(۳)

چه خوش است صوت قرآن، ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن، سخن خدا شنیدن

ه) تعلیم دهنده احکام قرآن

«سَـلامُ اللّهِ عَلی صاحِبِ الزَّمانِ وَمُظْهِرِ الإیمانِ وَمُلَقِّنِ أَحْکامِ القُرْآنِ(۴)؛ سـلام خدا بر صاحب الزمان و آشـکار کننده ایمان و تلقین و تعلیم دهنده احکام قرآن».

۱- ۸. زیارت آل یس، روایت شده از زیارت ناحیه مقدّسه امام زمان علیه السلام.

۲- ۹. تعابیری برگرفته از زیارت جامعه، مندرج در زیارت سوم ملحقات مفاتیح الجنان.

۳- ۱۰. زیارت آل یس.

۴- ۱۱. بخشی از زیارت «سلام اللّه الکامل...» در استغاثه به حضرت صاحب الزمان علیه السلام.

و) احیاگر قرآن

در آخر الزمان که سنّت های قرآنی به فراموشی سپرده شده و بسیاری از معارف این کتاب الهی از سوی کژاندیشان به تحریف و تبدیل کشیده شده و حیات و حیات آفرینی آیاتش، در حصار جهل و هوس دنیاپرستان نادیده گرفته شده است، مهدی علیه السلام می آید تا احیاگر این معجزه جاوید باشد و اسلام و مسلمین را در پرتو انوار فروزان آن، جانی تازه بخشد.

«اَللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحی مِنْ دِینِکَ وَأَحْیِ بِهِ ما بُدِّلَ مِنْ کِتابِکَ وَأَظْهِرْ بِهِ ما غُیِّرَ مِنْ حُکْمِکَ(۱)؛ خدایا از دینت آنچه به نابودی گراییده، به وسیله او تجدید فرما، و از کتابت آنچه دگرگونی و تبدیل پذیرفته به وسیله او احیا کن، و از احکامت آنچه را که تغییر یافته به وسیله او آشکار گردان».

* * *

حضرت مهدی علیه السلام در قرآن

در قرآن، آیات بسیاری وجود دارد که به شهادت روایات مستند و معتبر، درباره حضرت مهدی علیه السلام و قیام جهانی او نازل گردیده است.

در کتاب شریف «المحجّه فی ما نزل فی القائم الحجّهعلیه السلام» که توسط محدث بزرگوار، مرحوم سید هاشم بحرانی رحمه الله و با بهره گیری از دهها جلد کتب تفسیر و حدیث تألیف گردیده، مجموعاً (۲) آیه از آیات کریمه قرآن ذکر شده که در ذیل هر کدام یک یا چند روایت در تبیین کیفیت ارتباط آیه با آن حضرت علیه السلام نقل شده است.

۱- ۱۲. صلوات ابوالحسن ضرّاب اصفهانی، وارد شده از ناحیه مقدّسه حضرت ولی عصر، امام زمان علیه السلام در اعمال روز جمعه.

۲- ۱۳۲. همان: حدیث ۳۱۵۵.

در اینجا به ذکر چند روایت در این مورد بسنده می کنیم:

۱ - امام صادق علیه السلام درباره قول خدای عزّوجلّ:

«هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَدِینِ الحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ المُشْرِکُونَ»(۱)؛ اوست خدایی که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرو فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، اگرچه ناخوشایند کافران باشد.

فرمود: «به خدا سوگند! هنوز تأویل این آیه نازل نشده است و تا زمان قیام قائم علیه السلام نیز نازل نخواهد شد. پس زمانی که قائم علیه السلام بپاخیزد، هیچ کافر و مشرکی نمی ماند مگر آنکه خروج او را ناخوشایند می شمارد».(۲)

۲ - امام باقرعلیه السلام درباره آیه شریفه:

«وَقُلْ جاءَ الحَقُّ وَزَهَقَ الباطِلُ إِنَّ الباطِلَ کانَ زَهُوقاً»(۳)؛

بگو حق آمد و باطل از بین رفت، همانا باطل نابود شدنی است.

فرمود: «زمانی که قائم علیه السلام قیام نماید، دولت باطل از بین خواهد رفت».(۴)

۳ - امام صادق علیه السلام در بیان معنای آیه کریمه:

«وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ»(۵)؛ به راستی بعد از ذکر، در زبور نوشتیم که بندگان صالح من وارثان زمین خواهند بود.

فرمود: «تمام کتب آسمانی ذکر خداست، و بندگان شایسته خدا که وارثان زمین هستند، حضرت قائم علیه السلام و یاران او می باشند».(۶)

۱- ۱۳. سوره توبه: آیه ۳۳.

۲- ۱۴. کمال الدین: ج ۲، باب ۵۸، ص ۶۷۰.

۳- ۱۵. سوره اسراء: آیه ۸۱.

۴- ۱۶. الروضه: ص ۲۸۷.

۵- ۱۷. سوره انبیاء: آیه ۱۰۵.

۶- ۱۸. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۷۷.

۴ – امام باقرعلیه السلام درباره قول خدای عزّوجلّ:

«اَلَّذِینَ إِنْ مَکَّنَّاهُمْ فِی الأَرْضِ أَقامُوا الصَّلوهَ وَآتُوا الزَّکاهَ...»(۱)؛ کسانی که اگر آنان را در زمین قدرت بخشیم، نماز را بپا می دارند و زکات می دهند.

فرمود: «این آیه در حقّ آل محمدعلیهم السلام است در حقّ حضرت مهدی علیه السلام و یاران او که خداوند شرق و غرب زمین را تحت سلطه آنان قرار می دهد و به وسیله آنان دین را پیروز گردانده و بدعتها و باطلها را می میراند».(۲)

۵ – امام سجادعلیه السلام زمانی که این آیه شریفه را قرائت نمود:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ آمِناً یَعْبُدُونَنِی وَلا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً ...»(۳)؛ خدا به مؤمنان و شایستگان شما وعده داده که آنان را در زمین همچون پیشینیان خلافت بخشد و دین مورد رضایت خود را برای آنان تمکین و اقتدار دهد و ترس آنان را به امنیّت تبدیل کند تا مرا بپرستند و شرک نورزند...

فرمود: «به خدا سوگند! آنان شیعیان ما اهل بیت علیهم السلام هستند، خداوند – آن خلافت در زمین و اقتدار بخشیدن به دین را – به وسیله آنان و به دست مردی از ما که مهدی این امت است، تحقق خواهد داد و هم اوست که پیامبرصلی الله علیه وآله درباره اش فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد،

۱– ۱۹. سوره حج: آیه ۴۱.
۲– ۲۰. تأویل الآیات الظاهره – نسخه خطی –.
۳– ۲۱. سوره نور: آیه ۵۵.

خداوند همان روز را آن چنان طولانی خواهد کرد که مردی از خاندان من که همنام من است فرا برسد و زمین را آن چنان که از ظلم و جور پر شده باشد، از عدل و داد آکنده سازد».(۱)

۶ – امام صادق علیه السلام فرمود: «آیه:

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفآءَ الأَرْضِ ...»(۲)؛ جز خدا کیست که دعای درمانده واقعی را اجابت کند و بلا را رفع نماید و شما را خلفای زمین قرار دهد؟ ...»

درباره قائم آل محمدعلیهم السلام نازل شده است، به خدا سوگند، او همان مضطرّ درمانده ای است که چون در مقام ابراهیم دو رکعت نماز گزارد و فرج خویش از خدا بخواهد، خداوند دعایش را اجابت کند و بدی ها را برطرف سازد و او را در زمین خلیفه قرار دهد».(۳)

حضرت مهدی علیه السلام در احادیث قدسی

۱ – خداوند فرمود:

«ای پیامبر! به وسیله تو و پیشوایان از نسل تو بر بندگان خویش رحمت می آورم، و به وسیله قائم از بین شما، زمین خود را با تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و بزرگداشت مقام الوهیّت، آباد می سازم؛

و به وجود او زمین را از دشمنانم پاک می کنم، و آن را میراث اولیای خویش قرار می دهم، و به وسیله او کلمه توحید را تعالی بخشیده، کلمه کافران را به سقوط می کشانم، و به دست او و با علم خود

۱– ۲۲. تفسیر عیاشی: ج ۳، ص ۱۳۶.

۲– ۲۳. سوره نمل: آیه ۶۲.

۳– ۲۴. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۲۹.

سرزمین ها و دل بندگانم را حیاتی تازه می بخشم و گنج ها و ذخیره های پنهان را به مشیّت خود برایش آشکار می سازم؛

و با اراده خود او را بر نهانی ها و مکنونات قلبی دیگران آگاه می گردانم و با فرشتگان خود او را یاری می رسانم تا در اجرای فرمان من و تبلیغ دین من مددکار او باشند، او به حقیقت ولیّ من است و به راستی هدایتگر بندگان من می باشد».(۱)

«زمانی که جدّم حسین که صلوات خدا بر او باد، به شهادت رسید، فرشتگان با گریه و زاری به درگاه خداوند – عزّوجلّ – نالیدند و گفتند: پروردگارا! آیا از آنان که برگزیده و فرزند برگزیده تو را، و امام انتخاب شده از بین خلق را کشتند، در می گذری؟!

خداوند به آنان وحی فرمود که: «فرشتگان من! آرام گیرید، سوگند به عزّت و جلالم که از آنان انتقام می گیرم اگرچه بعد از گذشت زمانی طولانی باشد». سپس فرزندان از نسل حسین علیه السلام را که پس از او به امامت می رسند به ملائکه نشان داد و آنان شاد شدند.

فَإِذا أَحَدُهُمْ قآئِمٌ يُصَلِّي فَقالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: بِذلِكَ القائِمِ أَنْتَقِمُ مِنْهُمْ(۲)؛ در بین این پیشوایان، یک نفرشان به نماز ایستاده بود، خداوند عزّوجلّ فرمود: به وسیله آن «قائم» از دشمنان و قاتلان حسین علیه السلام انتقام می گیرم».

ص:۲۱

۱– ۲۵. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۶۶.

۲– ۲۶. همان: ص ۲۹.

حضرت مهدی علیه السلام در آینه کلام معصومین علیهم السلام

۱ – رسول خداصلی الله علیه وآله

«لا تَقُومُ السّاعَهَ حَتّی یَقُومَ القـائِمُ الحَقُّ مِنّا وَذلِکَ حِینَ یَأْذَنُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ وَمَنْ تَبَعَهُ نَجا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَکَ، اَللّهَ اَللّهَ عِبادَ اللّهِ فَأْتَوْهُ وَلَوْ عَلَی الثَّلْجِ فَإِنَّهُ خَلِیفَهُ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ وَخَلِیفَتِی...؛(۱) روز قیامت فرا نمی رسد مگر آنکه از بین ما «قائم حقیقی» قیام نمایـد و آن قیام، زمانی خواهـد بود که خـدای عزّوجلّ او را اجازه فرمایـد، هر کس پیرو او باشـد نجات می یابد و هر کس از فرمانش تخلّف ورزد، هلاک می شود. ای بنـدگان خـدا! خـدا را، خـدا را، بر شـما باد که به نزدش آییـد اگرچه بر روی یخ و برف راه روید، زیرا او خلیفه خدای عزّوجلّ و جانشین من است».

۲ – امیر المؤمنین علی علیه السلام

«قالَ لِلْحُسَیْنِ علیه السلام: اَلتّاسِعُ مِنْ وُلْدِکَ یا حُسَیْنُ! هُوَ القائِمُ بِالحَقِّ، المُظْهِرِ لِلدِّینِ، الباسِطِ لِلْعَدْلِ. قالَ الحُسَیْنُ علیه السلام فَقُلْتُ: یا أَمِیرَ المُؤْمِنِینَ! وَإِنَّ ذلِکَ لَکائِنٌ؟ فَقالَ علیه السلام: إِی وَالَّذِی بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْنُّبُوَّهِ وَاصْطَفاهُ عَلی جَمِیعِ البَرِیَّهِ وَلکِنْ بَعْدَ غَیْبَهٍ وَحِیرَهٍ لا تَثْبُتُ فِیها عَلی دِینِهِ إِلاَّ المُخْلِصُونَ المُباشِرُونَ لِرُوحِ الیَقِینِ الَّذِینَ أَخَذَ اللّهُ مِیثاقَهُمْ بِوِلایَتِنا وَکَتَبَ فِی قُلُوبِهِمِ الإِیمانَ وَأَیَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ؛(۲) به امام حسـین علیه السـلام فرمود: نهمین فرزند تو ای حسین! قیام کننده به حقّ و آشکار سازنده دین و گستراننده عدالت است. امام

۱– ۲۷. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۶۵.

۲– ۲۸. همان: ص ۱۱۰.

حسین علیه السلام گوید: پرسیدم: یا امیر المؤمنین! آیا حتماً چنین خواهد شد؟ فرمود: آری! قسم به کسی که حضرت محمدصلی الله علیه وآله را به پیامبری برانگیخت و او را بر تمام خلایق برگزید، چنین خواهد شد، امّا بعد از غیبت و حیرتی که در آن کسی ثابت قدم بر دین نمی ماند مگر مخلصین و دارندگان روح یقین، آنان که خداوند نسبت به ولایت ما از آنان پیمان گرفته و ایمان را بر صفحه دلشان نگاشته و با روحی از جانب خود تأیید فرموده است».

۳ – حضرت فاطمه زهراعلیها السلام

«قالَ لِی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله: اِبْشِرِی یا فاطِمَهَ، اَلمَهْدِیُّ مِنْکَ؛(۱) رسول خداصلی الله علیه وآله به من فرمودند: ای فاطمه! تو را بشارت باد به اینکه حضرت مهدی علیه السلام از نسل توست».

۴ – امام حسن مجتبی علیه السلام

«ما مِنَّا أَحَدٌ إِلاَّ وَیَقَعُ فِی عُنُقِهِ بَیْعَهٌ لِطاغِیَهِ زَمانِهِ إِلاَّ القائِم الَّذِی یُصَلِّی رُوحُ اللَّهِ عِیسَی بْنُ مَرْیَمَ خَلْفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ یَخْفی وِلادَتَهُ وَیُغَیِّبُ شَخْصَهُ لِئَلَّا یَکُونَ لِأَحَدٍ فِی عُنُقِهِ بَیْعَهٌ؛(۲) هیچ یک از ما اهل بیت نیست مگر آنکه بیعتی از طاغوت زمانش را اجباراً برعهده دارد. مگر حضرت «قائم» که عیسی بن مریم، روح اللَّه پشت سر او نماز می گزارد. خداوند ولادت او را مخفی می دارد و شخص او را از دیدگان غایب می گرداند، تا بیعت هیچ کس را بر گردن نداشته باشد».

ص:۲۳

۱– ۲۹. منتخب الأثر: ص ۱۹۲.

۲– ۳۰. کمال الدین: ج ۱، باب ۲۹، ص ۳۱۶.

۵ – امام حسین علیه السلام

«مِنّا اِثْنا عَشَرَ مُهْدِیّاً أَوَّلُهُمْ أَمِیرُ المُؤْمِنِینَ عَلِیُّ بْنُ أَبی طالِبٍ وَآخِرُهُمْ اَلتّاسِعُ مِنْ وُلْدِی وَهُوَ الإمامُ القائِمُ بِالحَقِّ، یُحْیِی اللَّهُ بِهِ الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَیُظْهِرُ بِهِ دِینَ الحَقِّ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ المُشْرِکُونَ؛(۱) دوازده هدایت شده هدایتگر از بین ما هستند، اوّلین آنان امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنان، نهمین فرزند من است که پیشوای قیام کننده به حقّ خواهد بود، خداوند به وسیله او زمین را پس از موات شدنش زنده می کند و به دست او دین حق را بر تمامی ادیان پیروز می سازد، اگرچه مشرکان را ناخوشایند باشد».

۶ – امام زین العابدین علیه السلام

«إِنَّ لِلْقائِمِ مِنّا غَیْبَتَیْنِ: إِحْداهُما أَطْوَلُ مِنَ الأُخْری .. فَیَطُولُ أَمْرُها حَتیَّ یَرْجِعَ عَنْ هذَا الأَمْرِ أَکْثَرُ مَنْ یَقُولُ بِهِ، فَلا یَثْبُتُ عَلَیْهِ إِلَّا مَنْ قَوِیَ یَقِینُهُ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَلَمْ یَجِدْ فِی نَفْسِهِ حَرَجاً مِمّا قَضَیْنا وَسَلَّمَ لَنا أَهْلِ البَیْتِ علیهم السلام؛(۲) برای قائم ما دو غیبت هست: یکی از آن دو طولانی تر از دیگری است... و آن قدر طول خواهد کشید که اکثر معتقدین به ولایت ازاو دست می کشند، در آن زمان کسی بر امامت و ولایت او ثابت قدم و استوار نمی ماند مگر آن که ایمانش قوی و شناختش درست باشد و در نفس خویش نسبت به حکم وقضاوت ما هیچ گرفتگی و کراهتی احساس نکند وتسلیم ما اهل بیت باشد».

۱– ۳۱. کمال الدین: ج ۱، باب ۲۹، ص ۳۱۷.

۲– ۳۲. همان: ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

۷ – امام باقرعلیه السلام

راوی گوید: از امام علیه السلام درباره آیه شریفه:

«فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ»(۱)؛ قسم یاد می کنم به ستارگان بازگرداننده!

سؤال کردم. فرمود:

«هذا مَوْلُودٌ فِی آخِرِ الزَّمانِ، هُوَ المَهْدِیُّ مِنْ هذِهِ العِتْرَهِ، تَکُونُ لَهُ حَیْرَهً وَغَیْبَهً، یُضَلُّ فِیها أَقْوامٌ وَیُهْتَدی فِیها أَقْوامٌ، فَیا طُوبی لَکَ إِنْ أَدْرَکْتَهُ وَیا طُوبی لِمَنْ أَدْرَکَهُ؛(۲) مراد این آیه، مولودی در آخر الزمان است که همان مهدی از این خاندان است، او را حیرت و غیبتی هست که در آن گروه هایی گمراه شوند و گروه هایی دیگر هدایت پذیرند. پس خوشا به حال تو اگر او را درک کنی و خوشا به حال هر کسی که او را درک کند».

۸ – امام صادق علیه السلام

«إِنَّ لِصاحِبِ هذَا الأَمْرِ غَیْبَهٌ، فَلْیَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْیَتَمَسَّکْ بِدِینِهِ؛(۳) همانا برای صاحب این امر غیبتی هست، پس بنده خدا در آن دوران باید تقوای الهی پیشه کند و به دینش چنگ زند».

۹ – امام کاظم علیه السلام

«صاحِبُ هذَا الأَمْرِ، هُوَ الطَّرِیدُ الوَحِیدُ الغَرِیبُ الغائِبُ عَنْ أَهْلِهِ المَوْتُورُ بِأَبِیهِ؛(۴) صاحب این امر – حضرت مهدی علیه السلام – کنار گذاشته شده، تنها، غریب، غایب از اهل و خونخواه پدر خویش می باشد».

۱- ۳۳. سوره تکویر: آیه ۱۵.

۲- ۳۴. و ۳ – کمال الدین: ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۴۳.

۳- ۳۵.

۴- ۳۶. همان: ص ۳۶۱.

۱۰ – امام رضاعلیه السلام

«... وَبَعْدُ الحَسَنِ ابْنُهُ الحُجَّهُ القائِمُ المُنْتَظَرُ فِی غَیْبَتِهِ، المُطاعُ فِی ظُهُورِهِ، لَوْ لَمْ یَبْقِ مِنَ الدُّنْیا إلاَّ یَوْمٌ واحِدٌ لَطَوَّلَ اللّهُ ذلِکَ الیَوْمَ حَتّی یَخْرُجَ فَیَمْلَأَها عَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً؛(۱)

و بعد از امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش حضرت حجّت قائم، امام خواهد بود، آن کس که در دوران غیبتش مورد انتظار، و در زمان ظهورش مورد اطاعت مؤمنان است. اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا همان روز را چنان طولانی کند که قیام فرماید و زمین را از عدالت پر کند چنانکه از ستم پر شده باشد».

۱۱ – امام جوادعلیه السلام

درباره اینکه چرا حضرت مهدی علیه السلام «منتظر» نامیده می شود، فرمود:

«إنَّ لَهُ غَیْبَهٌ یَکْثُرُ أَیّامُها وَیَطُولُ أَمَدُها فَیَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ المُخْلِصُونَ وَیُنْکِرُهُ المُرْتابُونَ وَیَسْتَهْزِئُ بِهِ الجاهِدُونَ وَیُکَذِّبُ فِیهَا الوَقّاتُونَ وَیَهْلِکُ فِیهَا المُسْتَعْجِلُونَ وَیَنْجُو فِیهَا المُسَلَّمُونَ؛(۲) او را غیبتی هست که زمانش زیاد است و پایانش به طول می انجامد، پس مخلصین، چشم انتظار قیام او می مانند و شک کنندگان، به انکار او برمی خیزند و منکرین به استهزای او می پردازند و تعیین کنندگان وقت ظهور مورد تکذیب قرار می گیرند و عجله کنندگان در آن هلاک می شوند و تسلیم شدگان نجات می یابند».

ص:۲۶

۱- ۳۷. کمال الدین: ج ۲، باب ۳۵، ص ۳۷۲.

۲- ۳۸. بحار الأنوار: ج ۵۱، ص ۱۵۸؛ کمال الدین: ج ۲، باب ۳۶، ص ۳۷۸.

۱۲ – امام هادی علیه السلام

«إِذا غـابَ صـاحِبُکُمْ عَنْ دارِ الظّالِمِینَ، فَتَوَقَّعُوا الفَرَجَ؛(۱) زمـانی که صاحب و امام شـما از دیار سـتمگران غایب گشت، چشـم انتظار فرج باشید».

۱۳ – امام حسن عسکری علیه السلام

«اَلمُنْکِرُ لِوَلَدِی کَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِیعِ أَنْبِیاءِ اللّهِ وَرُسُلِهِ ثُمَّ أَنْکَرَ نُبُوَّهَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وآله وَالمُنْکِرُ لِرَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وآله کَمَنْ أَنْکَرَ جَمِیعَ الأَنْبِیآءِ، لِأَنَّ طاعَهَ آخِرِنا کَطاعَهِ أَوَّلِنا وَالمُنْکِرُ لِآخِرِنا کَالمُنْکِرُ لِأَوَّلِنا؛(۲) کسـی که فرزندم – مهدی علیه السـلام – را انکار کند، مانند کسـی است که تمام پیامبران و رسولان الهی را قبول داشـته باشد، اما نبوت رسول خداصـلی الله علیه وآله را انکار نمایـد، و انکار کننده رسول خداصـلی الله علیه وآله مانند کسـی است که همه انبیاء را انکار نماید؛ چون اطاعت آخرین امام ما به منزله اطاعت اولین امام است و منکر آخرین امام ما به منزله منکر اولین امام است».

ص:۲۷

۱- ۳۹. کمال الدین: ج ۲، باب ۳۷، ص ۳۸۰.

۲- ۴۰. همان: ج ۲، باب ۳۸، ص ۴۰۹.

ویژگیهای حضرت مهدی علیه السلام

اسامی و اوصاف(۴۱) و القاب حضرت مهدی علیه السلام

مرحوم ثقه الاسلام نوری در بیان اسماء شریفه امام عصرعلیه السلام، با استناد به آیات و روایات و کتب آسمانی پیشین و تعبیرات راویان و تاریخ نگاران تعداد یکصد و هشتاد و دو اسم و لقب برای حضرت مهدی علیه السلام ذکر می کند و مدّعی است که در این مقام، از استنباطهای شخصی و استحسان های غیر قطعی خودداری نموده است که در غیر این صورت چندین برابر این اسماء و القاب، قابل استخراج از کتب مختلفه بود، که از آن جمله است:

محمّد، احمد، عبد اللَّه، محمود، مهدی، برهان، حجّت، حامد، خلف صالح، داعی، شرید، صاحب، غائب، قائم، منتظر و...(۱)

کنیه های آن حضرت عبارتند از: ابوالقاسم (هم کنیه پیامبرصلی الله علیه وآله)، ابو عبداللَّه، ابوصالح که مرحوم نوری ابوابراهیم، ابوالحسن و ابوتراب را نیز از کنیه های ایشان شمرده است.در اینجا به ذکر پاره ای عناوین و صفات که در ضمن زیارتهای مختلف و ادعیه مربوط به حضرت مهدی علیه السلام مورد تصریح قرار گرفته است، اشاره داریم. با این امید که دقّت و تأمّلی در آنها، ما را با شؤونات مختلفه آن بزرگوار آشنا ساخته و مقاماتی را که غالباً از لسان معصومین علیهم السلام در ضمن این دعاها و زیارتها برای امام دوازدهم علیه السلام برشمرده شده برایمان روشن تر سازد.

ص:۲۸

۱- ۴۲. نجم الثاقب: ص ۵۵ - ۱۳۲.

قابل ذکر اینکه تمام این عناوین و اوصاف به طور خاصّ در مورد حضرت مهدی علیه السلام وارد گردیده، اگرچه بسیاری از آنها در مورد سایر امامان بزرگوار اسلام علیهم السلام نیز می تواند مصداق داشته باشد.

دیگر اینکه، آنچه ذکر می شود، نه به ادعای اسم یا لقب آن حضرت، بلکه به عنوان بهره وری از تعابیر موجود در نصوص زیارت و دعاست، اعم از اینکه واژه ای مفرد یا جمله ای توصیفی باشد.

بقیّه اللَّه: باقیمانده خدا در زمین.

خلیفه اللَّه: جانشین خدا در میان خلایق.

وجه اللَّه: مظهر جمال و جلال خدا، سمت و سوی الهی که اولیای حق رو به او دارند.

باب اللَّه: دروازه همه معارف الهی، دری که خداجویان برای ورود به ساحت قدس الهی قصدش می کنند.

داعی اللَّه: دعوت کننده الهی، فرا خواننده مردم به سوی خدا، منادی راستین هدایت إلی اللَّه.

سبیل اللَّه: راه خدا، که هر کس سلوکش را جز در راستای آن قرار دهد، سرانجامی جز هلاکت نخواهد داشت.

ولیّ اللَّه: سرسپرده به ولایت خدا و حامل ولایت الهی، دوست خدا.

حجّه اللَّه: حجّت خدا، برهان پروردگار، آن کس که برای هدایت در دنیا، و حساب در آخرت به او احتجاج می کنند.

نور اللَّه: نور خاموشی ناپذیر خدا، ظاهر کننده همه معارف و حقایق توحیدی، مایه هدایت ره جویان.

عین اللَّه: دیده بیدار خدا در میان خلق، دیده بان هستی، چشم خدا در مراقبت کردار بندگان.

سلاله النبوّه: فرزند نبوّت، باقیمانده نسل پیامبران.

خاتم الأوصیاء: پایان بخش سلسله امامت، آخرین جانشین پیامبرصلی الله علیه وآله.

علم الهدی: پرچم هدایت، رایت همیشه افراشته در راه خدا، نشان مسیر حقیقت.

ص:۲۹

سفینه النجاه: کشتی نجات، وسیله رهایی از غرقاب ضلالت، سفینه رستگاری.

عین الحیوه: چشمه زندگی، منبع حیات حقیقی.

القائم المنتظر: قیام کننده مورد انتظار، انقلاب بی نظیری که همه صالحان چشم انتظار قیام جهانی اویند.

العدل المشتهر: عدالت مشهور، تحقق بخش عدالت موعود.

السیف الشاهر: شمشیر کشیده حق، شمشیر از نیام برآمده در اقامه عدل و داد.

القمر الزاهر: ماه درخشان، ماهتاب دل افروز شبهای سیاه فتنه و جور.

شمس الظلام: خورشید آسمان هستی ظلمت گرفتگان، مهر تابنده در ظلمات زمین.

ربیع الأنام: بهار مردمان، سرفصل شکوفایی انسان، فصل اعتدال خلایق.

نضره الأیّام: طراوت روزگار، شادابی زمان، سرّ سرسبزی دوباره تاریخ.

الدین المأثور: تجسّم دین، تجسید آیین برجا مانده از آثار پیامبران، خود دین، کیان آیین، روح مذهب.

الکتاب المسطور: قرآن مجسّم، کتاب نوشته شده با قلم تکوین، معجزه پیامبر درهیأت بشری.

صاحب الأمر: دارنده ولایت امر الهی، صاحب فرمان و اختیاردار شریعت.

صاحب الزمان: اختیاردار زمانه، فرمانده کلّ هستی به اذن حقّ.

مطهّر الأرض: تطهیر کننده زمین که مسجد خداست، از بین برنده پلیدی و ناپاکی از بسیط خاک.

ناشر العدل: برپا دارنده عدالت، برافرازنده پرچم عدل و داد در سراسر گیتی.

مهدیّ الأمم: هدایتگر همه امّت ها، راه یافته راهنمای همه طوایف بشریت.

جامع الکلم: گردآورنده همه کلمه ها بر اساس کلمه توحید، وحدت بخش همه صف ها.

ناصر حقّ اللَّه: یاری گر حقّ خدا، یاور حقیقت.

دلیل إراده اللَّه: راهنمای مردم به سوی مقاصد الهی، راه بلد و راهبر انسانها در راستای اراده خداوند.

الثائر بأمر اللَّه: قیام کننده به دستور الهی، برانگیخته به فرمان پروردگار، شورنده برغیر خدا به امر او.

محیی المؤمنین: احیاگر مؤمنان، حیات بخش دلهای اهل ایمان.

مبیر الکافرین: نابود کننده کافران، درهم شکننده کاخ کفر، هلاک کننده کفار.

معزّ المؤمنین: عزّت بخش مؤمنان، ارزش دهنده اهل ایمان.

مذلّ الکافرین: خوار کننده کافران، درهم شکننده جبروت کفر پیشگان.

منجی المستضعفین: نجات دهنده مستضعفان، رهایی بخش استضعاف کشیدگان.

سیف اللَّه الذی لا ینبو: شمشیر قهر خدا که کندی نپذیرد.

میثاق اللَّه الذی أخذه: پیمان بندگی خدا که از بندگان گرفته شده.

مدار الدهر: مدار روزگار، محور گردونه وجود، مرکز پیدایش زمان.

ناموس العصر: نگهدارنده زمان، کیان هستی دوران.

کلمه اللَّه التامّه: کلمه تامّه خداوند، حجّت بالغه الهی.

تالی کتاب اللَّه: تلاوت کننده کتاب خدا، قاری آیات کریمه قرآن.

وعد اللَّه الذی ضمنه: وعده ضمانت شده خدا، پیمان تخلف ناپذیر الهی.

رحمه اللَّه الواسعه: رحمت بی پایان الهی، رحمت بی کرانه پروردگار، رحمت گسترده حق.

حافظ أسرار ربّ العالمین: نگهبان اسرار پروردگار، حافظ رازهای ربوبی.

معدن العلوم النبویّه: گنجینه دانش های پیامبری، خزانه معارف نبوی.

نظام الدین: نظام بخش دین.

یعسوب المتّقین: پیشوای متقین.

معزّ الأولیاء: عزّت بخش یاران.

مذلّ الأعداء: خوار کننده دشمنان.

وارث الأنبیاء: میراث بر پیامبران.

نور أبصار الوری: نور دیدگان خلایق.

الوتر الموتور: خونخواه شهیدان.

کاشف البلوی: برطرف کننده بلاها.

المعدّ لقطع دابر الظلمه: مهیّا شده برای ریشه کن کردن ظالمان.

ص:۳۱

المنتظر لإقامه الأمت والعوج: مورد انتظار برای از بین بردن کژیها و نادرستی ها.

المترجی لإزاله الجور والعدوان: مورد آرزو برای برطرف کردن ستم و تجاوز.

المدّخر لتجدید الفرائض والسنن: ذخیره شده برای تجدید واجبات و سنن الهی.

المؤمّل لإحیاء الکتاب وحدوده: مورد امید برای زنده ساختن دوباره قرآن و حدود آن.

جامع الکلمه علی التقوی: گردآورنده مردم بر اساس تقوی.

السبب المتصل بین الأرض والسماء: واسطه بین آسمان وزمین، کانال رحمت حق برخلق.

صاحب یوم الفتح وناشر رایه الهدی: صاحب روز پیروزی و برافرازنده پرچم هدایت.

مؤلّف شمل الصلاح والرضا: الفت دهنده دلها بر اساس رضایت و درستکاری.

الطالب بدم المقتول بکربلاء: خونخواه شهید کربلا.

المنصور علی من اعتدی علیه وافتری: یاری شده علیه دشمنان و افترا زنندگان.

المضطرّ الذی یجاب إذا دعی: پریشان و درمانده که چون دعا کند دعایش مستجاب شود.

* * *

برخی ویژگی های ظاهری

۱ - شبیه پیامبرصلی الله علیه وآله

حضرت مهدی علیه السلام سیمایی چون سیمای پیامبرصلی الله علیه وآله دارد، در رفتار و گفتار و سیرت نیز شبیه و همانند اوست.

امیر المؤمنین علیه السلام روزی به فرزند خود امام حسین علیه السلام نظر افکنده، به اصحاب خود فرمودند:

«سَیَخْرُجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلاً بِاسْمِ نَبِیِّکُمْ، یَشْبَهُهُ فِی الخَلْقِ وَالخُلْقِ(۱)؛ در آینده خداوند از نسل او مردی را پدید می آورد که همنام پیامبر شماست و در ویژگی های ظاهری و سجایای اخلاقی به او شباهت دارد».

۱- ۴۳. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۳۹، حدیث ۱۹.

۲ – زیبا و خوش صورت

زیبایی اگر به اعتدال و تناسب اعضای چهره، یا به گیرایی نگاه و نورانیت صورت و جذّابیت آن باشد، همگی در وجود نازنین یادگار پیامبرصلی الله علیه وآله به ودیعت نهاده شده است

امیر المؤمنین علیه السلام در وصف زیبایی آن حضرت فرمودند:

«هُوَ شآبٌّ مَرْبُوعُ القامَهِ حَسَنُ الوَجْهِ».(۱)

۳ – گشاده پیشانی

حضرت علی علیه السلام در این باره فرمودند:

«هُوَ رَجُلٌ أَجْلَی الجَبِینِ، نُورُ وَجْهِهِ یَعْلُو سِوادَ لَحْیَتِهِ وَرَأْسِهِ؛(۲) پیشانی بلند و گشاده اش بر هیبت و وقار چهره زیبایش می افزاید، و چنان نوری بر چهره و جبین او پیداست که سیاهی موهای سر و محاسن شریفش را تحت الشعاع قرار می دهد».

۴ – میانه قامت

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«لَیْسَ بِالطَّوِیلِ الشَّامِخِ وَلا بِالقَصِیرِ اللاَّزِقِ، بَلْ مَرْبُوعُ القامَهِ؛(۳) قامتی نه دراز و بی اندازه، و نه کوتاه بر زمین چسبیده دارد، بلکه اندامش معتدل و میانه است».

۵ – دارای دو خال مخصوص

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«بِالقآئِمِ عَلامَتانِ: شامَهٌ فِی رَأْسِهِ وَدآءُ الحَزازِ بِرَأْسِهِ، وَشامَهٌ بَیْنَ

ص:۳۳

۱– ۴۴. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۳۶، حدیث ۶.

۲– ۴۵. همان: ج ۵۱، ص ۳۶ – ۴۰.

۳– ۴۶. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۸۱.

كِتْفَيْهِ مِنْ جانِبِهِ الأيْسَرِ تَحْتَ كِتْفَيْهِ وَرَقَةٌ مِثْلَ وَرَقِهِ الآسِ؛(۱) خالی بر چهره دارد که بر گونه راستش همچون دانه مُشکی میان سفیدی صورتش می درخشد و خالی دیگر بین دو کتفش متمایل به جانب چپ بدن دارد».

درباره شمایل ظاهری امام زمان علیه السلام، پاره ای صفات دیگر از مجموعه روایات وارده در این باب می توان به دست آورد:

* آن حضرت رنگی سپید، که آمیختگی مختصری با رنگ سرخ دارد.

* از بیداری شب ها، چهره اش به زردی می گراید.

* چشمانش سیاه و ابروانش بهم پیوسته است و در وسط بینی او برآمدگی کمی پیداست.

* میان دندانهایش گشاده و گوشت صورتش کم است.

* میان دو کتفش عریض است و شکم و ساق او به امیر المؤمنین علیه السلام شباهت دارد.

* در وصف او وارد شده: «اَلمَهْدِیُّ طاوُوسُ أَهْلِ الجَنَّهِ، وَجْهُهُ کَالقَمَرِ الدُّرِّیِّ عَلَیْهِ جَلابِیبُ النُّورِ؛(۲) حضرت مهدی علیه السلام طاووس اهل بهشت است، چهره اش مانند ماه درخشنده است و گویا جامه هایی از نور بر تن دارد».

«اَللّٰهُمَّ أَرِنِی الطَّلْعَهَ الرَّشِیدَهَ وَالغُرَّهَ الحَمِیدَهَ وَاکْحُلْ ناظِرِی بِنَظْرَهٍ مِنِّی إِلَیْهِ؛(۳) بارخدایا! آن جمال بارشادت و پیشانی نورانی ستایش شده را، به من بنمایان، و چشمم را به نگاهی به او سرمه کن».

ص:۳۴

۱- ۴۷. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۴۱، حدیث ۲۳.

۲- ۴۸. منتهی الآمال: ج ۲، ص ۴۸۱.

۳- ۴۹. مفاتیح الجنان: دعای عهد.



* * *

غیبت حضرت مهدی علیه السلام

پیشینه غیبت

غیبت دوازدهمین پیشـوای مسـلمین حضـرت مهـدی علیه السـلام، امری ناگهـانی و غیر منتظره نبـوده، بلکه عوامـل متعـددی به شناخت قبلی این پدیده توسط مسلمانان، کمک می کرده است:

۱ – غیبت های درازمدت و کوتاه مدت پیامبران پیشین علیهم السلام و نهانی های متعدد شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که طی مباحث قبلی اجمالاً ذکر گردید. آشنایی مردم با تاریخ ادیان گذشته و کیفیت حصول چنین غیبت هایی در آن دورانها پذیرش غیبت حضرت مهدی علیه السلام را برای آنان آسان می ساخت.

۲ – انبوهی از روایات مسـتند و صـحیح، در آگاه سازی مؤمنین نسـبت به چگونگی زنـدگی و امامت نهمین فرزند از نسل امام حسـین علیه السلام که به بیانهای گوناگون از زبان پیامبرصلی الله علیه وآله و سایر معصومین، حصول غیبتی طولانی برای او را مورد تأکید قرار می دادند.

در این مورد تنها در کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» بیش از ۱۵۰ حدیث جمع آوری شده و طی چهارده باب، از باب ۲۴ تا باب ۳۸، تحت عنوان هـای «مـا أخـبر به النـبیّ من وقوع الغیبه» و «مـا أخبر به أمیر المؤمنین علیه السـلام من وقوع الغیبه» و... «ما أخبر به العسـکری علیه السـلام من وقوع الغیبه» به طور جـداگانه فرمایشات هر یک از معصومین علیهم السـلام پیرامون غیبت و لزوم آمادگی مردم ذکر گردیده است.

ص:۳۷

۳ - کیفیت زنـدگانی دو امـام بزرگوار شیعه، امـام هادی و امام حسن عسـکری علیهما السـلام را، می توان مقـدمه ای عینی و عملی برای آماده سازی مردم، جهت غیبت حضـرت مهدی علیه السلام به شمار آورد، به عبارت دیگر، زندگی اجباری آن دو امام مظلوم در محاصـره نیروی دشمن و در شرایط دشوار شهر محل تبعیدشان - سامرا - ارتباط ایشان را با مردم و حتی شیعیان و خواص اصحاب خود، آنچنان تقلیل داده بود که بطور طبیعی شکلی از نهان زیستی و غیبت را تداعی می کرد.

* * *

مروری گذرا بر غیبت صغری

الف) مقدمه غیبت کبری

غیبت صـغری را می توان مقـدمه ای دیگر برای غیبت کبرای امـام زمـان علیه السـلام به شـمار آورد. مردم اگرچه طی احادیث فراوان از طریق پیامبرصـلی الله علیه وآله و امامان گذشـته علیهم السـلام با اندیشه غیبت طولانی پیشوایشان آشنایی پیدا کرده و کیفیت ابتلای دو امـام پیشـین به محاصـره دشـمن، آنـان را عملاً با نهانی پیشوا مأنوس ساخته بود، اینک با غیبت صـغری باید آمادگی کامل برای نهان زیستی طولانی و غیر معلوم امام و رهبر خویش پیدا می کردند.

ب) زمان غیبت صغری

به عقیـده گروهی از محدثین و تاریخ نگاران، دوران غیبت صـغری از زمان ولادت امام زمان علیه السـلام در سال ۲۵۵ هجری قمری، شـروع شده و با استمرار تا سال ۳۲۹، مدت ۷۴ سال به طول انجامید. لکن به اسـتناد شواهد متعددی در روایات و اخبار این باب، می توان مطمئن شد که مراد از غیبت صغری همان مدت ۶۹ سال - بین آغاز امامت آن بزرگوار وبه دنبال شهادت

امام حسن عسکری علیه السلام، در سال ۲۶۰ هجری قمری، تا آغاز غیبت کبری در سال ۳۲۹ - می باشد که قول مشهور است.(۱)

ج) نحوه ارتباط با مردم

در طی مدت غیبت صغری، چهار تن از بزرگان علم و تقوی بنام های عثمان بن سعید عمروی رحمه الله، و محمد بن عثمان بن سعید عمروی رحمه الله، و حسین بن روح نوبختی رحمه الله، و علی بن محمد سیمری رحمه الله تحت عنوان «نوّاب اربعه» وساطت بین امام علیه السلام و مردم را به عهده داشتند.

هر کدام از این بزرگواران با فرمان خاص امام زمان علیه السلام به چنین مقامی منصوب می شدند. مثلاً پس از فوت عثمان بن سعید عمروی رحمه الله - که قبل از امام زمان علیه السلام نیابت از طرف امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام را نیز عهده دار بود - نامه ای به خط امام زمان علیه السلام خطاب به فرزندش محمد رسید که در بخشی از آن آمده بود:

«ما همه از خداییم و به سوی او باز می گردیم تسلیم فرمان او، راضی به قضای او هستیم، پدرت سعادتمندانه زیست، و پسندیده وفات کرد، رحمت خدا بر او باد و خدا او را با اولیاء و موالیانش محشور فرماید که همواره در اجرای فرمانشان کوشا بود».

و در بخشی دیگر فرموده بود:

«خدا به او اجر جزیل دهد... از کمال سعادت پدرت این بود که خدا فرزندی چون تو را روزی او کرد که بعد از او جانشینش باشد و به امر خدا در مسؤولیتی که داشت قائم مقام او گردد و موجبات رحمت او را فراهم آرد».(۲)

۱- ۵۰. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۳۶۶.
۲- ۵۱. همان: ج ۵۱، ص ۳۴۹؛ به نقل از غیبت طوسی و احتجاج و کمال الدین.

قابل ذکر است که امام زمان علیه السلام در ا ین دوران سفراء و مأمورینی خاص نیز داشت، که در پاره ای مسؤولیت های ویژه همچون جمع آوری خمس و زکات از طرف آن حضرت مأموریت می یافتند.

صاحب «اعلام الوری» در این باره گوید:

«در غیبت صغری سفیرانی موجود بودند و نوّاب و ابوابی مشهور وجود داشتند که شیعیان درباره آنان هیچ اختلافی نداشتند، بعضی از آنان عبارتند از: ابوهاشم داود بن قاسم جعفری، محمد بن علی بن بلال، ابوعمرو عثمان بن سعید روغن فروش، فرزندش ابوجعفر محمد بن عثمان، عمر اهوازی، احمد بن اسحاق، ابومحمد وجنائی، ابراهیم بن مهزیار، محمد بن ابراهیم و جماعتی دیگر که بعداً در صورت نیاز ذکر خواهند شد».(۱)

د) پایان غیبت صغری

ابومحمد حسن بن محمد کاتب گوید:

در سال ۳۲۹ در مدینه بودم، چند روز قبل از وفات ابوالحسن علی بن محمد سیمری در خانه اش حاضر شدم، او نامه ای به خط مولا صاحب الزمان علیه السلام را به مردم حاضر در جلسه نشان داد که چنین نوشته بود:

«بنام خداوند بخشنده مهربان؛ ای علی بن محمد سیمری! خداوند اجر برادرانت را درباره تو زیاد گرداند، تو تا شش روز دیگر وفات خواهی کرد. پس امور خود را جمع کن و کسی را برای جانشینی خود تعیین و معرفی نکن، زیرا غیبت نهایی واقع شده و دیگر

۱- ۵۲. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۳۶۵، به نقل از اعلام الوری.

ظهوری نیست مگر بعد از اذن خدای تعالی، و آن ظهور، پس از گذشت مدتی طولانی و سخت شدن دلها و پر شدن زمین از ظلم و جور اتفاق خواهد افتاد و از بین شیعیان من کسانی خواهند آمد که ادعای مشاهده مرا دارند، آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و برآمدن صیحه آسمانی چنین ادعایی داشته باشد دروغگوی افترا زننده است؛ ولا حول ولا قوّه إلاّ باللَّه العلیّ العظیم».

ابومحمد گوید: متن توقیع را نوشتیم و بیرون آمدیم، روز ششم به سویش برگشتیم در حالی که داشت جان می داد و آخرین کلامش این بود: «همه امور به دست خداست».(۱)

* * *

چگونگی غیبت

اشاره

در باب غیبت حضرت مهدی علیه السلام روایاتی هست که با دقّت در آنها می توان کیفیت غیبت را دریافت و از این طریق به حلّ بسیاری از سؤالات و اشکالاتی که به نحوه غیبت برمی گردد، نائل گردید:

الف) مستور بودن

امام صادق علیه السلام فرمود:

«در صاحب این امر سنّت هایی از پیامبران است؛ سنّتی از موسی بن عمران، سنّتی از عیسی، سنّتی از یوسف، سنّتی از محمدصلی الله علیه وآله وسلم.

امّا سنّتی که از موسی علیه السلام دارد، آن است که خائف و منتظر فرصت نشسته است. امّا سنّتی که از عیسی علیه السلام دارد، آن است که درباره اش بگویند آنچه را که درباره عیسی علیه السلام می گفتند. امّا سنّتی که از یوسف علیه السلام دارد، مستور بودن است. خداوند بین او و مردم حجابی قرار می دهد، به طوری که او را می بینند ولی نمی شناسند.

و امّا سنّتی که از

۱- ۵۳. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۳۶۱، به نقل از غیبت طوسی و کمال الدین.

محمدصلی الله علیه وآله دارد، آن است که هدایت شده به هدایت او و سیر کننده به سیرت اوست».(۱)

با توجه به این روایت و نظایر آن، زندگی حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت به شکل طبیعی صورت می گیرد و حتّی مردم عادی نیز به دیدار او توفیق می یابند، اما از شناخت او ناتوان اند.

با این تفسیر، غیبت آن بزرگوار، فقط به عنوان «حجاب معرفت» و «مانع شناخت» مطرح می شود که آن هم بر دیده و دل مردم کشیده شده است نه بر وجود شریف او. و بدین ترتیب می توان گفت که هرگاه آن حجاب و مانع از چشم و سریره مردم برداشته شود (یرونه ویعرفونه) او را خواهند دید و خواهند شناخت.

ب) حضور مستور و مستمر

در فرازهایی از دعای ندبه می خوانیم:

«بِنَفْسِی أَنْتَ مِنْ مُغَیَّبٍ لَمْ یَخْلُ مِنَّا بِنَفْسِی أَنْتَ مِنْ نازِحٍ ما نَزَحَ عَنَّا؛(۲) به جانم سوگند که تو آن نهان شده ای که بیرون از جمع ما نیستی، به جانم سوگند که تو آن دور شده ای که از ما دوری نداری».

تعبیر زیبای «نهان شده ای که همیشه با ماست» و «دور شده ای که به ما نزدیک است»، نویدبخش «حضور مستمرّ» امام زمان علیه السلام در جمع شیعیان و محبّین است.

ص:۴۲

۱- ۵۴. کمال الدین: ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۵۱، حدیث ۴۶.

۲- ۵۵. مفاتیح الجنان: دعای ندبه.

در این کلام یا تضادّی نیست از آن رو که می توانـد «همیشه با ما باشـد» ولی چون شـناخته نمی شود «نهان شـده و مسـتور» به شمار آیـد، و یا اگر ظاهراً تضادّی باشـد، قابل حلّ است، از آن جهت که «دور شده» از عموم مردم به حساب می آید، لکن به خاصّان و موالیان خود «نزدیک» است.

ج) نهانی از دیدگان نه از دلها

راوی گویـد: از امام کاظم علیه السـلام درباره آیه قرآن «وَأَسْـبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَباطِنَةً»(۱) پرسـیدم، فرمود: «نعمت ظاهر و آشکار، امام ظاهر است و نعمت باطن و پنهان، امام غائب».

پرسیدم: آیا از امامان ما کسی غائب می شود؟ فرمود:

«نَعَمْ، يَغِيبُ عَنْ أَبْصارِ النَّاسِ شَـخْصُهُ، وَلا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ؛(۲) آری! چهره اش از دیدگان مردم پنهان می شود، لکن یادش در دلهای مؤمنان غایب نمی شود».

مردم اگرچه از دیدن چهره پرفروغ امام خویش در دوران غیبت محروم می مانند، لکن می توانند یاد او را همیشه در دل داشته باشند.

توجّه به اختلاف دو تعبیر «ابصار الناس» و «قلوب المؤمنین» در کلام حضـرت، نشان دهنـده امتیاز مؤمنین و اختلاف تلقی آنان از غیبت، نسبت به سایر مردم است.

آنچه برای مردم عادی مهم است؛ دیدن با «چشم سر» است، اگر نبینند باور نمی کنند، دلشان از امامی که نمی بینند، متأثر نمی شود، و چون «دل» متأثر نشد، عملشان رنگ تبعیت از امام نمی گیرد.

۱- ۵۶. سوره لقمان: آیه ۲۰.

۲- ۵۷. منتخب الاثر: باب ۲۲، ص ۲۳۹، حدیث ۳، به نقل از کفایه الاثر.

اما برای مؤمنین، آنچه اهمیت دارد، دیـدن با «چشم دل» است، و چون با چشم دل، امام معصوم خویش را می بیننـد، ایمان می آورند رفتار و گفتارشان رنگ ولایت می گیرد، اگرچه او را با «چشم سر» نتوانند ببینند.

د) آگاهی موالیان حقیقی به مکان غیبت

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لِلْقآئِم غَیْبَتانِ: إِحْداهُما قَصِیرَهٌ وَالْأُخْری طَوِیلَهٌ، اَلغَیْبَهُ الْأُولی ٢لا یَعْلَمُ بِمَکانِهِ فِیها إلَّا خاصَّهٌ مِنْ شِیعَتِهِ، وَالْأُخْری لا یَعْلَمُ بِمَکانِهِ فِیهـا إِلَّا خاصَّهُ مَوالِیهِ؛(١) برای حضـرت قـائم علیـه السـلام دو غیبـت اسـت: یکی کوتـاه و دیگری طولانـی. در غیبت اول، جز شیعیان مخصوص، کسی به مکان او آگاه نیست. و در غیبت دوم، جز دوستان مخصوص، کسی به مکان او آگاه نیست».

با این تفسیر نیز غیبت، حجابی است که بر دیدگان نامحرمان حریم ولایت حقیقی کشیده اند. اگر شیعه، شیعه واقعی و دوست صـدیق و صـادق مولایش باشـد و اگر ولایت ناب را دارا باشـد، به مکان اقامت امام علیه السـلام در غیبت آگاه می باشـد و با چنین آگاهی توفیق حضور می یابد.

ه) کناره گزینی و دوری از مساکن ظالمین

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«لابُدَّ لِصاحِبِ هذَا الأَمْرِ مِنْ غَیْبَهٍ وَلابُدَّ لَهُ فِی غَیْبَتِهِ مِنْ عُزْلَهٍ وَنِعْمَ المَنْزِلُ طِیبَهً وَما بِثَلاثِینَ مِنْ وَحْشَهٍ؛(٢) صاحب این امر ناگزیر از

ص:۴۴

١- ۵٨. کافی: ج ٢، ص ١۴١، کتاب الحجّه، حدیث ١٩.

٢- ۵٩. همان: ج ٢، ص ١۴٠، حدیث ١۶.

غیبت است، و به ناچار در زمان غیبتش گوشه گیری و کناره گزینی اختیار کند. و چه خوب منزلی است مدینه و در آن سی نفر(1) هیچ هراس و وحشتی نیست».

مولایمان حضرت مهدی علیه السلام ناچار از غیبت است امّا چرا؟ جوابش به نحوی در جمله بعدی روشن می شود.

اینکه برای چنین غیبتی ناگزیر از کناره گیری و دوری از مردم است، هم کیفیت غیبت و هم چرایی غیبت را نشان می دهد. در حقیقت چون جبّاران و ستمگران او را نمی خواهند، مجبور است دور از مردم زندگی کند و بالاتر از این، چون اگر او را بیابند به قتل او کمر می بندند و مانع از تحقق وعده های الهی به دست او می شوند، ناگزیر است در مکانی دور از ظالمین سکنی گزیده، چنانکه خود فرمود:

«بِمَکانِنَا النّائِی عَنْ مَساکِنِ الظّالِمِینَ؛ ما اگرچه در اقامتگاه خویش که دور از مساکن ظالمین است به سر می بریم».

و) گمنامی

امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَما وَاللّهِ لَیَغِیبَنَّ عَنْکُمْ صاحِبُ هذَا الأَمْرِ وَلَیَخْمِلَنَّ هذا حَتّی یُقالُ: ماتَ، هَلَکَ، فِی أَیِّ وادٍ سَلَکَ؟؛(2) آگاه باشید، به خدا سوگند که صاحب این امر از شما غائب گردد و همانا گمنام ماند تا آنجا که گویند: او مُرد، هلاک شد، در کدام درّه گم شد؟».

ص:45

1- 60. بنابر بعضی از اقوال، حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت کبری، همراه با سی تن از یاران نزدیک خویش در مکانی نامعلوم اقامت دارد.

2- 61. کافی: ج 2، ص 138، حدیث 11.

ز) راه رفتن در بازارها و پاگذاردن بر فرشهای مردم

امام صادق علیه السلام فرمود:

«برادران یوسف علیه السلام همگی نوادگان و فرزندان پیامبران بودند، با این همه اگرچه با یوسف تجارت کردند و خرید و فروش نمودند و مورد خطاب قرارش دادند، امّا در عین برادری او را نشناختند تا آن زمان که خودش گفت: من یوسف هستم و این برادر من است، پس این امّت نفرین شده چگونه انکار می کند که خدای عزّوجلّ با حجّت خویش - امام دوازدهم - در یک زمانی همان کند که با یوسف کرد، چنانکه تا مدّتی او را ببینند ولی نشناسند...».

«فَما تُنْكِرُ هذِهِ الأُمَّهُ أَنْ يَفْعَلَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ بِحُجَّتِهِ كَما فَعَلَ بِيُوسُفَ، أَنْ يَمْشِيَ فِي أَسْواقِهِمْ وَيَطَأَ بُسُطَهُمْ حَتّى يَأْذَنَ اللَّهُ فِي ذلِكَ لَهُ...»؛(1) و چگونه این امّت، انکار می کند که خداوند عزّوجلّ با حجّت خویش همان کند که با یوسف کرد که امام آنان در بازارهایشان راه برود و بر فرشهایشان قدم بگذارد، امّا او را نشناسند تا آن زمانی که خداوند به ظهور او اجازه فرماید».

ح) آگاهی به حال مردم

امیر المؤمنین علیه السلام در منبر کوفه خطبه خواند و راجع به حجّت های الهی سخن گفت که یا آشکارند و مورد اطاعت قرار نمی گیرند، یا پنهان هستند و مورد انتظارند. سپس فرمود:

«إِنْ غابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُمْ فِي حالِ هُدْنَتِهِمْ فَلَمْ يَغِبْ عَنْهُمْ قَدِيمُ

۱- ۶۲. کافی: ج ۲، ص ۱۳۴، حدیث ۴.

مَبْثُوثِ عِلْمِهِمْ وَآدابُهُمْ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ مُثْبَتَهٌ، فَهُمْ بِها عامِلُونَ؛(۱) اگر در حال آرامش مردم، پیکر و شخص آن حجّت ها از دیدگان مردم پنهان گردد، هرگز علم و آگاهی منتشر آنان، از حال مردم منقطع نگردد، بلکه آداب آنان در دلهای مردم ثابت است و مردم به آنها عمل می کنند».

و این همان است که حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«لا یَعْزُبُ عَنّا شَیْ ءٌ مِنْ أَخْبارِکُمْ...؛(۲) هیچ خبری از شما بر ما پوشیده نمی ماند».

* * *

چرایی غیبت

توضیح

پرسش پیرامون علت غیبت، نه تنها پس از وقوع غیبت حضرت مهدی علیه السلام، بلکه حتّی قبل از پیدایش ظاهری آن حضرت، در زمان پیامبرصلی الله علیه وآله و امامان پس از او مطرح می شده، به گونه ای که در فرمایشات آن بزرگواران نیز، به پاسخ گویی آن پرداخته شده است.

آنچه قبل از بررسی گذرای این مبحث، لازم به تذکر است، اشاره به ناتوانی بشر در شناخت اسرار پیچیده هستی، در همه زمینه هاست.

با پیشرفت علم و دانش، انسانها روز به روز آفاق گسترده تری را فرا روی خویش می یابند که حجم معلومات و دانسته های خود را در برابر مجهولات و امور ناشناخته آن بسیار ناچیز می شمارند.

۱- ۶۳. کافی: ج ۲، ص ۱۳۹، حدیث ۱۳.

۲- ۶۴. احتجاج طبرسی: توقیع شریف به شیخ مفید، ص ۵۹۸.

از انیشتین نقل شده است که انگشت خود را به آب دریا زد و گفت:

«نسبت بین آبی که انگشت مرا مرطوب ساخته به آب دریا، مثل نسبت معلومات ما در برابر مجهولات هستی است».

منظور از این بیان، اعتراف به ناشناخته ماندن بسیاری از ابعاد غیبت و حکمت های آن است، به عبارت دیگر: باید پذیرفت که اگر در پاره ای روایات به برخی عدل و حکمت های غیبت دست یافتیم، هرگز به این معنا نیست که غیبت دارای علّت های اساسی تر و حکمت های بالغه دیگر نمی باشد، با این همه نگاهی مختصر به برخی روایات این باب، خالی از فایده نیست:

۱) امتحان درجه تسلیم در برابر اراده خدا

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ وَجْهَ الحِكْمَهِ فِی ذلِكَ لا یَنْكَشِفُ إِلاَّ بَعْدَ ظُهُورِهِ، كَما لا یَنْكَشِفُ وَجْهَ الحِكْمَهِ لِما آتاهُ الخِضْرَ مِنْ خَرْقِ السَّفِینَهِ، وَقَتْلِ الغُلامِ وَإِقامَهِ الجِدارِ لِمُوسی علیه السلام إِلاَّ وَقْتَ افْتِراقِهِما؛(۱) وجه حکمتی که در غیبت حضرت مهدی علیه السلام هست، جز بعد از ظهورش، معلوم نمی گردد. چنانکه وجه حکمتی که در افعال حضرت خضر بود نسبت به سوراخ کردن کشتی و کشتن پسرك و برپا داشتن دیوار نیمه خراب برای حضرت موسی علیه السلام جز در وقت جدا شدن آن دو ظاهر نگشت».

۱- ۶۵. کمال الدین: ج ۲، باب ۴۴، ص ۴۸۲.

ذکر جریان ملاقات حضـرت خضر و حضرت موسی علیهما السلام در کلام امام صادق علیه السلام، اشاره به این نکته دارد که مأموریت حضـرت موسی علیه السلام از جانب خدا برای درک حضور و همراهی حضرت خضرعلیه السلام، به منظور آزمایش میزان تحمّل او در برابر امور ناشناخته و درجه تسلیم او در مقابل حکمت های پوشیده هستی صورت گرفت.

غیبت حضـرت مهدی علیه السـلام نیز می تواند صدها حکمت پنهان داشته باشد که جز در موقع ظهور آن حضرت روشن نمی شوند. آنچه مطلوب است تسلیم در برابر اراده الهی است که این غیبت را تقدیر فرموده است.

۲) بیم از کشته شدن

امام صادق علیه السلام فرمود:

«برای حضرت قائم قبل از ظهورش غیبتی هست».

زراره گوید: پرسیدم: چرا؟ فرمود:

«یَخافُ عَلی نَفْسِهِ الذَّبِیحَهِ؛(۱) از کشته شدن خویش می ترسد».

از آن رو که حضـرت مهـدی علیه السـلام آخرین امام معصوم است و همچون امامان گذشـته نیست که اگر کشـته شـد، امامی دیگر جانشین او شود، او باید بماند تا آن زمان که شرایط لازم برای حکومت جهانی اسلام و قرآن پیش آید، قیام نماید و دنیا را از عـدل و داد پر کنـد، مردمی که طی بیش از دو قرن ثـابت کردنـد که هر امام هـدایت را یا به شمشـیر یا به زهر از بین می برنـد، بی گمـان اگر حضـرت مهـدی علیه السـلام غیبت نمی کرد، او را نیز به سـرنوشت پـدران بزرگوارش دچار می کردنـد، خصوصاً ملوک بنی عباس که از مدتها قبل

۱- ۶۶. کمال الدین: ج ۲، باب ۴۴، ص ۴۸۱.

توطئه ها کردند و در مقام کشتن او برآمده، و با توجه به همین دسیسه ها بود که خداوند عزّوجلّ حتّی ولادت حجّت خویش را به صورت پنهان قرار داد.

ذکر این حکمت نشان می دهد که تا زمان حتمی شدن قیام، هر زمان دیگری خطر کشته شدن امام علیه السلام را به همراه دارد و کشته شدن امام علیه السلام کشته شدن پیام اوست، کشته شدن اسلام است که خدا هرگز به آن رضایت نخواهد داد.

۳) الطاف خفیّه پروردگار

الف) خدای تبارک و تعالی به دنبال امتحانی طولانی در کیفیت برخورد مسلمانان با اولیای الهی وجود شریف حضرت مهدی علیه السلام را، در پس پرده غیبت قرار داد، از آن رو که می دانست اگر در چنین شرایطی او را ظاهر گرداند، از اکثر مردم، تعدّیات و تجاوزات مختلفی در حقّ او صورت خواهد گرفت که به موجب آن، مستحقّ عقوبات الهی خواهند شد. پس ولیّ خود را از دیدگان مردم پنهان داشت تا بدین وسیله وجود و حضور او که چشمه رحمت است مایه نقمت نگردد.(۱)

ب) ابراهیم کرخی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: خدا امرتان را اصلاح کند، آیا علی علیه السلام در دین خدای عزّوجلّ قوی نبود؟

فرمود: چرا.

گفتم: پس چگونه مخالفین بر او غلبه یافتند و چرا آنان را دفع نکرد و چه چیزی او را بازداشت؟

فرمود: آیه ای در کتاب خدا مانع او شد.

پرسیدم: چه آیه ای؟

۱- ۶۷. نقل با تصرف از کلام شیخ صدوق رحمه الله؛ کمال الدین: ج ۲، باب ۵۴، ص ۶۴۱.

فرمود: «قول خداوند عزّوجلّ: «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذاباً أَلِيماً»؛(۱) اگر مؤمنان و کافران از هم جدا می شدند، کافران را به عذابی دردناک دچار می کردیم».

به موجب این آیه، خداوند در اصلاب مردم کافر و منافق ودیعت هایی دارد که همان فرزندان صالح هستند و از نسل آنان پدید می آیند، از این رو علی علیه السلام آن پدران را نمی کشت تا آنکه ودیعت های الهی خارج شوند. بعد از خروج آن ودایع بود که بر هر کس از آنان غلبه می یافت او را می کشت. و چنین است قائم ما اهل بیت که ظهور نمی کند تا آنکه همه نسلهای پاک و مؤمن که ودیعت های خدایند، ظاهر شوند. آن زمان است که ظهور می کند و بر هر کس غلبه یابد می کشد».(۲)

ج) امام صادق علیه السلام فرمود:

«یا عَمّارُ! اَلصَّدَقَهُ وَاللَّهِ فِی السِّرِّ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَهِ فِی العَلانِیَهِ وَکَذلِکَ عِبادَتُکُمْ فِی السِّرِّ مَعَ أَمامَکُمُ المُسْتَتَرُ فِی دَوْلَهِ الباطِلِ أَفْضَلُ، لِخَوْفِکُمْ مِنْ عَدُوِّکُمْ مِنْ دَوْلَهِ الباطِلِ؛(۳)

ای عمار! همچنان که صدقه پنهانی بهتر از صدقه آشکار است، عبادت پنهانی شما در دولت باطل در حالی که امامتان پنهان و مستور باشد، افضل و دارای ثواب بیشتر است، به خاطر ترسی که شما در دولت باطل و از دشمنانتان دارید».

۱- ۶۸. سوره فتح: آیه ۲۵.

۲- ۶۹. کمال الدین: ج ۲، باب ۵۴، ص ۶۴۲.

۳- ۷۰. همان: ص ۶۴۶.

۴) آماده شدن شرایط برای محو سلطه مستکبران

حضرت مهدی علیه السلام فرموده است:

«إِنَّهُ لَمْ یَکُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبائِی علیهم السلام إِلاَّ وَقَدْ أَوْقَعَتْ فِی عُنُقِهِ بَیْعَهً لِطاغِیَهِ زَمانِهِ وَإِنِّی أَخْرُجُ حِینَ أَخْرُجُ وَلا بَیْعَهً لِأَحَدٍ مِنَ الطَّواغِیتِ فِی عُنُقِی؛(۱) هیچ کدام از پدران من: نبودند مگر آنکه بیعت طاغوت دورانش اجباراً برعهده اش نهاده شد، امّا من در زمان ظهورم، در حالی قیام می کنم که بیعت و پیمان هیچ یک از طواغیت بر گردنم نیست».

حضرت مهدی علیه السلام اگر بخواهد بر طبق اراده خدا حکومتی توحیدی در همه عالم تشکیل دهد، به گونه ای که همه قدرت های حاکم را درهم شکسته وسلطه وسیطره اش را بر سراسر هستی گسترش دهد، لازم است که شرایطی در دنیا ایجاد شود که از همان زمان ظهور تا استقرار کامل نظام عدالت، هیچ طاغوت و مستکبری را یارای مقاومت و غلبه در برابر او نباشد.

۵) آزمایش مردم در میزان ایمان به امامت

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

«ذلِکَ الَّذِی یَغْیبُ عَنْ شِیعَتِهِ وَأَوْلِیآئِهِ غَیْبَهً لا یَثْبُتُ فِیها عَلَی القَوْلِ بِإِمامَتِهِ إِلاَّ مَنِ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِیمانِ؛(۲) او - مهدی علیه السلام - کسی است که از شیعیان و دوستان خود غائب می گردد، غیبتی که در آن، کسی بر اعتقاد به امامت و ولایت او استوار نمی ماند، مگر آن کس که خداوند قلبش را به ایمان امتحان کرده باشد».

۱- ۷۱. منتخب الاثر: باب ۲۸، ص ۲۶۷.

۲- ۷۲. همان: ص ۱۰۱.

۶) آزمایش مؤمنان به سختی ها و شداید روزگار

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ لِصاحِبِ هـذَا الأَمْرِ غَیْبَهٌ، اَلْمُتَمَسِّکُ فِیها بِدِینِهِ کَالخارِطِ لِلْقَتادِ؛(۱) صاحب این امر - حضرت مهدی علیه السلام - غیبتی دارد که در آن هر کس بخواهد دینش را حفظ کند مانند کسی است که بخواهد با کشیدن دست بر شاخه ای خار، آن را از خار بری سازد».

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«إِنَّما هِیَ مِحْنَهٌ مِنَ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ اِمْتَحَنَ اللّهُ بِها خَلْقَهُ؛(۲)

به یقین، غیبت مهدی علیه السلام امتحانی از جانب خداست که بندگانش را به آن می آزماید».

و امام صادق علیه السلام فرمود:

«نه به خدا، قیام نخواهد کرد مگر غربال شوید، مگر در امتحانات تصفیه شوید، مگر نیک و بدتان از هم جدا شوند».(۳)

۷) گناهان و عدم آمادگی مردم

حضرت مهدی علیه السلام در بیان کیفیت بهره بردن از وجود ایشان در دوران غیبت می فرماید:

«وَأَمَّا وَجْهُ الاِنْتِفاعِ بِی فِی غَیْبَتِی فَکَالاِنْتِفاعِ بِالشَّمْسِ إِذا غَیَّبَها عَنِ الأَبْصارِ السَّحابُ؛(۴) اما چگونگی بهره وری از من در دوران غیبتم

ص:۵۳

۱- ۷۳. کمال الدین: ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۴۶.

۲- ۷۴. اصول کافی: ج ۲، ص ۱۳۳، کتاب الحجّه.

۳- ۷۵. همان: ج ۲، ص ۱۹۶، حدیث ۶ با تلخیص.

۴- ۷۶. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۹۲، حدیث ۷؛ احتجاج: ص ۲۶۳.

چونان بهره بردن از خورشید است زمانی که ابرها آن را از دیدگان مستور می دارند».

طبق این کلام شریف، وجه غیبت خورشید را باید در وجود ابرها جستجو کرد. خورشید به خودی خود عین ظهور است ویکسره نورافشانی و درخشش دارد. این ابرها هستند که چهره جان فروز آن را از دیدگان مخفی می کنند. و بدین گونه است نهانی آخرین خورشید ولایت و امامت حضرت مهدی علیه السلام که در ذات خویش جز مهربانی ولطف وعنایت نسبت به عباد اللَّه ندارد. اما مردم با گناهان خود و با عدم آمادگی برای قبول حکومت الهی او، سبب پنهان ماندن او در پس پرده های سیاه ابر غیبت می باشند.

چنین است که شیخ طوسی رحمه الله می فرماید:

«اما سبب غیبت امام دوازدهم ممکن نیست از جانب خدای سبحان و یا از جانب خود آن حضرت باشد، بلکه از طرف مردم و مکلفین است و جهت آن غلبه خوف - از نابودی حق - و مطیع نبودن مردم نسبت به اوست و هر موقع که این سبب زائل شود و مردم در اطاعت او بکوشند و تسلیم او باشند، ظهور واجب می شود».

۸) جریان سنّت الهی

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وَجْهُ الحِكْمَهِ فِی غَیْبَتِهِ، وَجْهُ الحِكْمَهِ فِی غَیْباتِ مَنْ تَقَدَّمَهُ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعالی ذِكْرُهُ؛(۱) وجه حکمت در غیبت او، همان وجه حکمت در غیبت هایی است که توسط حجّت های الهی پیش از او صورت گرفته».

۱- ۷۷. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۹۱، به نقل از علل الشرائع.

به عبارت دیگر: می توان وجه غیبت حضرت مهدی علیه السلام را استمرار همان سنّت حکیمانه ای دانست که در ادوار گذشته تاریخ به غیبت بسیاری از انبیاء و اولیاء انجامیده است.

چنانکه باز هم امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ سُنَنَ الأَنْبِیاءِعلیهم السلام بِما وَقَعَ بِهِمْ مِنَ الغَیْباتِ حادِثَةٌ فِی القائِم مِنَّا أَهْلِ البَیْتِ حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالقِذَّهِ بِالقِذَّهِ؛(۱) سنّت های پیامبران نسبت به غیبت هایی که برایشان پیش آمد، همگی به طور تمام و کمال در مورد قائم ما اهل بیت اتفاق می افتد».

* * *

غیبت پیامبران پیشین

عبد اللَّه بن فضل هاشمی گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید:

«صاحب این امر را غیبتی هست که به ناچار صورت پذیرد و باطل گرایان همگی در آن شک کنند.

پرسیدم: فدایت شوم! چرا؟

فرمود: به خاطر چیزی که بیان آن را به ما اجازه نداده اند».

محمد بن مسلم گوید: بر امام باقرعلیه السلام وارد شدم در حالی که قصد داشتم درباره قائم آل محمدعلیهم السلام سؤال کنم.

امام علیه السلام بدون اینکه چیزی بگویم فرمود:

«ای محمد بن مسلم! در قائم آل محمدعلیهم السلام شباهت به پنج پیامبر وجود دارد: یونس بن متی، یوسف بن یعقوب، موسی، عیسی و محمدعلیهم السلام.

۱- ۷۸. کمال الدین: ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۴۵.

امّا شباهت او به یونس علیه السلام؛ به خاطر آن است که از غیبت بازمی گردد و پس از عمری طولانی، جوان به نظر می رسد.

امّا شباهت او به یوسف علیه السلام؛ غیبت او از خاصّ و عامّ است و پنهان بودن او از برادرانش و مشکل شدن امر او بر پدرش یعقوب علیه السلام، با اینکه مسافت بین او و پدرش و اهل بیت و شیعیانش نزدیک بود.

امّا شباهت او به موسی علیه السلام؛ استمرار خوف و طولانی شدن غیبت و مخفی بودن ولادت اوست و اینکه پیروان او بعد از غیبت او با دیـدن سـختی ها و خواری های فراوان خسـته شدنـد، تا آن زمان که خداوند عزّوجلّ اجازه ظهور به او داده و یاری اش نموده و بر دشمنانش پیروز گرداند.

امّـا شـباهت او به عیسـی علیه السـلام؛ اختلاـف کسانی است که درباره او به مخالفت یکـدیگر پرداختنـد، برخی گفتنـد به دنیا نیامده، گروهی گفتند مرده است، گروهی دیگر گفتند کشته شده و به دار آویخته شده است.

و امّا شـباهت او به جدّش حضرت محمّد مصطفی صلی الله علیه وآله: قیام به شمشیر و کشتن دشمنان خدا و پیامبر، و ستمگران و مستکبران است و اینکه او به وسیله صلاح و القاء وحشت بر دشمن غلبه می یابد و هیچ پرچمی از پرچمهای او بدون پیروزی بر نمی گردد».(۱)

شیـخ صـدوق رحمه الله در مقـدمه کتاب شـریف «کمال الـدین» آورده است: سـبب تألیف این کتاب چنان شد که در یکی از سالها، زمانی که از زیارت علی بن موسـی الرضاعلیه السـلام برمی گشـتم، در نیشابور اقامت گزیـدم و آنجا اکثر کسانی که بر من وارد می شدند، شیعیانی بودند که امر غیبت حضرت مهدی علیه السلام آنان را به حیرت و شبهات دچار ساخته بود.

۱- ۷۹. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۲۱۷ - ۲۱۸.

در بین آنان، یکی از مشایخ اهل فضل که مدتها در آرزوی دیدارش به سر می بردم و به خاطر دینداری و استقامت عقیده اش مشتاق زیارتش بودم، به نام «نجم الدین ابوسعید محمد بن الحسن بن الصلت قمی» به دیدار م آمد و روی سخن از فلاسفه و اهل منطق در بخارا به میان آورد که با شبهات خویش حیرت و شک او را در امر غیبت طولانی حضرت قائم علیه السلام برانگیخته بودند.

زمانی که جوابش را دادم و دلش آرام یافت، پیشنهاد کرد که کتابی در این باب بنویسم و من هم قول مساعد دادم.

پس از این قضیه، شبی در خواب دیدم که در مکه هستم و به طواف بیت اللّه مشغولم و در هفتمین شوط کنار حجر الاسود آمده، آن را استلام کردم و می بوسیدم و می گفتم:

«أَمانَتِی أَدَّیْتُها وَمِیثاقِی تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالمُوافاهِ؛ امانت خویش را ادا کردم و پیمانم را به عهده گرفتم، تا تو روز قیامت به وفای آن برایم شهادت دهی».

در همین هنگام مولایمان صاحب الزمان علیه السلام را دیدم که کنار درب خانه کعبه ایستاده است، نزدیکش رفتم و او با نگاه به چهره من، با فراست هرچه را که از دل مشغولی و اندیشه های متفرقه داشتم دریافت. سلام کردم، جواب فرمود، سپس پرسید: چرا کتابی درباره غیبت نمی نویسی تا هموم تو را کفایت کند؟ گفتم: ای فرزند رسول خداصلی الله علیه وآله! درباره غیبت تصنیفات و تألیفاتی دارم.

فرمود: نه به آن ترتیب، بلکه از تو می خواهم که اینک کتابی درباره غیبت بنویسی و غیبت های پیامبران را در آن ذکر نمایی.

ص:۵۷

او بـا گفتن این سـخن به راه افتـاد و رفت و من دهشت زده از خواب بیـدار شـدم. آن شب را تا صـبح به دعا و گریه و زاری و شکوه از فراقش گذراندم و صبحگاهان به عنوان امتثال فرمانش تألیف این کتاب را آغاز کردم.(۱)

آنچه در سـفارش و فرمان ولی عصـرعلیه السـلام نسبت به ذکر غیبت های پیامبران در کتاب شـیخ صدوق قابل دقّت و بررسی است، به یقین اهمّیت شـناخت این غیبت ها در راسـتای آشـنایی با حکمت های مسـتور در این سنّت دیرپای الهی است که در احادیث معصومین علیهم السلام هم - چنانکه ذکر شد - مورد تأکید مکرر قرار گرفته است.

شیخ صدوق اولین باب های کتاب گرانقدر خود «کمال الدین و تمام النعمه» را، به بررسـی نهان زیستی پیامبران علیهم السـلام می پردازد:

اوّلین باب درباره غیبت حضرت ادریس علیه السلام است، که در ضمن حدیثی طولانی آمده است:

«ادریس در غـاری از کـوهی بلنـد، دور از چشـم مردم پنـاه گرفـت و بـه روزه داری و عبـادت پرداخت. مردم پس از خروج و اختفای او، مدت بیست سال به قحطسالی و بیچارگی مبتلا بودند، تا اینکه طی ماجرایی حضـرت ادریس در طلب آب و غذا از نهانگاه خویش بیرون می آیـد و مردم او را می شناسـند و طاغوت زمانش به خواری کشـیده می شود و او به میان مردم باز می گردد».(۲)

دومین بـاب بـا ذکر چهار حـدیث، درباره حضـرت نوح علیه السـلام است، که در سومین حـدیث آمـده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

۱- ۸۰. کمال الدین: ج ۱، ص ۳ و ۴.

۲- ۸۱. همان: ج ۱، باب ۱، ص ۱۲۷ - ۱۳۲.

«زمانی که مرگ نوح علیه السلام نزدیک شد، پیروان خویش را فراخواند و به آنان گفت: بدانید که پس از من غیبتی خواهد بود که در طی آن طاغوتها به قدرت خواهند رسید، و همانا خدای تعالی به قیام کننده ای از فرزندان من که نامش هود است، در امر شما گشایشی پدید خواهد آورد».(۱)

سومین باب درباره غیبت حضرت صالح علیه السلام است که در آن تنها یک حدیث از امام صادق علیه السلام نقل شده است که طی آن فرمود:

«همانا صالح علیه السلام مدتی از میان قوم خویش غائب بود، آن روز که تازه غیبت کرده بود، عاقل مردی میانسال، تنومند و زیبا اندام و با محاسنی فراوان و گونه هایی مناسب و قامتی متناسب بود، اما وقتی به سوی قومش بازگشت - در اثر کثرت ضعف و تغییر صورت - او را نشناختند و مردم درباره او سه دسته شدند. همانا مثل قائم اهل بیت علیهم السلام همانند صالح علیه السلام است».(۲)

چهارمین باب درباره غیبت حضرت ابراهیم علیه السلام است و در ابتدای آن آمده است:

«امّا غیبت حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام شباهت به غیبت قائم ما صلوات اللّٰه علیه دارد، بلکه عجیب تر از آن است، زیرا خداوند عزّوجلّ حتی در شکم مادر، اثر ابراهیم علیه السلام را مخفی گرداند و ولادتش را نیز پنهان داشت تا زمان تقدیر شده ظهور آن فرا رسد».

ص:۵۹

۱- ۸۲. کمال الدین: ج ۱، باب ۴، ص ۱۳۵.

۲- ۸۳. همان: ص ۱۳۶ و ۱۳۷.

در این باب طی دو حدیث نسبتاً طولانی تر از دو نوع غیبت حضرت ابراهیم علیه السلام که طی سه مرحله انجام یافت، سخن به میان آمـده است. یکی در هنگام ولادت و قبل از آن، دیگری در زمانی که طاغوت مصـر او را تبعید کرد، و سومین مرحله آن زمانی که برای عبرت گرفتن به تنهایی روانه سرزمین های دور و نزدیک شد.(۱)

پنجمین باب درباره غیبت حضـرت یوسف علیه السلام است که با نقل سه حدیث، کیفیت غیبت حضرت یوسف علیه السلام و جنبه امتحان داشـتن این غیبت برای حضـرت یعقوب علیه السـلام مطرح شده و نتیجه گرفته شده که حال شیعیان آگاه در زمان ما نسبت به امام غائب خویش هماننـد حال حضـرت یعقوب علیه السـلام است که می گفت: «ای فرزندان من! بروید یوسف و برادرش را جستجو کنید».

و حـال ناآگاهـان و معانـدین در امر غیبت او همچون حـال برادران یوسف است که می گفتنـد: «به خـدا سوگنـد! تو در همان گمراهی سابق خود هستی».(۲)

ششـمین باب درباره غیبت حضـرت موسـی علیه السـلام است، در اولین حدیث از قول پیامبرصـلی الله علیه وآله آمده است که فرمود:

«پس از حضرت یوسف علیه السلام شدت و غیبتی برای بنی اسرائیل واقع شد که چهارصد سال طول کشید، در حالی که آنان همگی منتظر قیام قائم یعنی حضرت موسی علیه السلام بودند».(۳)

در این باب پنج حدیث ذکر شده که طی آنها غیبت حضرت مهدی علیه السلام به غیبت حضرت موسی علیه السلام تشبیه شده است.

۱- ۸۴. کمال الدین: ج ۱، باب ۱، ص ۱۳۸ - ۱۴۱.

۲- ۸۵. سوره یوسف: آیه ۸۸.

۳- ۸۶. همان: ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

هفتمین باب درباره غیبت اوصیای حضرت موسی علیه السلام تا روزگار حضرت مسیح علیه السلام است.

و در بابهای بعدی نیز به اخباری در زمینه نهانی پیامبر اسلام و اولیاء علیهم السلام پرداخته شده است.

* * *

کیفیت بهره وری از امام غائب

جابر بن عبد اللّٰه انصاری از رسول خداصلی الله علیه وآله پرسید:

«آیا شیعیان در غیبت حضرت قائم علیه السلام از وجود او بهره مند می شوند؟ فرمود: آری! سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت، آنها از او بهره مند می شوند و از نور ولایت او در دوران غیبتش کسب نور می کنند، همچنان که مردم از خورشید در پس پرده ابر بهره می برند».(۱)

سؤال درباره چگونگی استفاده بردن از امام غائب علیه السلام، هم در زمان پیامبرصلی الله علیه وآله و هم در زمان امامان بزرگوارعلیهم السلام و هم در زمان غیبت صغری، توسط شیعیان تکرار شده و مضمون حدیث فوق، در اکثر آنها به عنوان پاسخ ذکر شده است. چنانکه خود امام زمان علیه السلام فرمود:

«وَأَمَّا وَجْهُ الاِنْتِفاعِ بِی فِی غَیْبَتِی فَکَالاِنْتِفاعِ بِالشَّمْسِ إِذا غَیَّبَها عَنِ الأَبْصارِ السِّحابُ؛(۲) اما چگونگی بهره بردن از من در دوران غیبتم مانند بهره بردن از خورشید است در زمانی که ابرها آن را از دیدگان مردم می پوشانند».

۱- ۸۷. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۹۳.

۲- ۸۸. همان: حدیث ۷.

علامه مجلسی رحمه الله در وجه تشبیه امام غائب علیه السلام به خورشید در پس ابر، مواردی را ذکر می کند:

۱ - نور وجود و علم و هدایت، به واسطه آن حضرت علیه السلام به خلایق می رسد، چنان که در اخبار متعدد روایت شده که او و سایر اهل بیت علیهم السلام علّت ایجاد خلق هستند و به برکت آنان است که علوم و معارف بر مردم آشکار شده و بلاها رفع می شود.

۲ - چنانکه مردم از خورشید در پس ابر استفاده می برند و با این همه به خاطر بهره بردن بیشتر هر لحظه انتظار برطرف شدن ابرها را دارند، شیعیان مخلص در هر زمان منتظر ظهور و قیام او هستند.

۳ - منکر وجود حضرت مهدی علیه السلام، با این همه آثاری که در غیبت از او ظاهر می شود، مثل انکار کننده وجود خورشید در پس پرده ابر است.

۴ - چنانکه نهان شدن خورشید در پس ابرها گاهی بهتر از آشکار شدن آن است، می توان گفت: در دوران غیبت برای شیعه، پنهان ماندن آن حضرت مفیدتر و بهتر است.

۵ - همانطور که نظرکننده به خورشید، چه بسا با نبودن ابر دچار کوری شود، چه بسا خورشید وجود مقدس جضرت مهدی علیه السلام هم اگر ظاهر باشد برای بصیرت شیعیان ضرر داشته باشد و سبب کوری آنان از دیدن حقیقت شود، اما همین بصیرتها می تواند تحمل ایمان به او در دوره غیبت را داشته باشد، چنانکه انسان به خورشید در پشت ابرها می نگرد و زیان نمی بیند.

۶ - خورشید گاهی از پرده ابر خارج می شود و بسیاری از مردم آن را می بینند، به همین ترتیب ممکن است که آن حضرت هم در روزگار غیبت برای بعضی مردم بروز کند.

۷ – اهل بیت علیهم السلام در شمول منافع چونان خورشیدند، پس همانطور که انسان کور، خورشید را چه ظاهر و چه در پس ابر نمی بیند، کورباطنان هم خورشید وجود امام غایب را نمی بینند.

«مَنْ کانَ فِی هـذِهِ أَعْمی فَهُوَ فِی الآخِرَهِ أَعْمی وَأَضَلُّ سَبِیلًا»؛(۱) و هر کس در این دنیا کور باشد در آخرت نیز کور خواهد بود، بلکه زیانکارتر و گمراه تر!».

۸ – چنانکه نور خورشید در هر خانه ای به مقدار وجود روزنه ها و پنجره ها می تابد و به مقداری که موانع را از جلوی نور برداشته باشند، خانه را روشن می کند. به همین ترتیب مردم به اندازه ای که موانع معرفت همچون شهوات نفسانی و تعلقات جسمانی را از فکر و اندیشه خود برداشته و به میزانی که پرده های تاریک مادی را از روی دل خود کنار زده باشند، می توانند از نور هدایت حضرت مهدی علیه السلام و اهل بیت استفاده ببرند، تا امر به آنجا برسد که مانند شخصی شود که زیر آسمان بدون ابر قرار گرفته که بدون هیچ حجابی پرتو خورشید او را از هر طرف احاطه کرده باشد.

علامه مجلسی به دنبال این نکات می فرماید:

«از این بهشت روحانی هشت در را به رویت گشودم، در حالی که خداوند هشت باب دیگر را نیز به فضل خویش بر من گشوده است، لکن عبارت را از ذکر آنها ناتوان می بینم. چه بسا که خداوند در باب معرفت اهل بیت علیهم السلام هزار در بر ما بگشاید که از هر دری هزار در دیگر گشوده شود».(۲)

۱– ۸۹. سوره اسراء: آیه ۷۲.

۲– ۹۰. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۹۳ و ۹۴.

* * *

وظیفه شیعیان در دوران غیبت

اشاره

شدّت فتنه ها و کثرت ابتلائات و فزونی مشاکل و انحرافات در دوره غیبت حضرت مهدی علیه السلام اقتضا می کند که ایمان آوردگان و پیروان ولایت همواره برحذر بوده، و نسبت به عقیده و عمل خویش مراقبت بیشتری داشته باشند. در این باب، نکاتی چند از کلام معصومین علیهم السلام دقت و تعمق بیشتری می طلبد:

الف) تمسک به ریسمان ولایت

امام صادق علیه السلام فرمود:

«یَأْتِی عَلَی النَّاسِ زَمانٌ یَغِیبُ عَنْهُمْ إِمامُهُمْ؛

زمانی بر مردم فرا رسد که پیشوایشان غایب گردد».

زراره پرسید: در آن زمان مردم چه کنند؟ فرمود:

«یَتَمَسَّکُونَ بِالأَمْرِ الَّذِی هُمْ عَلَیْهِ حَتّی یَتَبَیَّنَ لَهُمْ؛(۱)

به همان امر ولایت که دارند چنگ زنند تا برایشان تبیین شود».

و در کلام دیگر فرمود:

«طُوبی لِشِیعَتِنَا الْمُتَمَسِّکِینَ بِحَبْلِنا فِی غَیْبَهِ قائِمِنا؛(۲)

خوشا به حال شیعیان ما! آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان ولایت ما تمسک می جویند».

راستی در آن زمان که امام و پیشوای مردم، در دسترس آنان نباشد و دام های شیطان برای جدا کردن آنان از ولایت اهل بیت علیهم السلام که همان صراط مستقیم خداست، در همه جا پراکنده شده باشد، چه وسیله ای

۱- ۹۱. کمال الدین: ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۵۰.

۲- ۹۲. همان: ج ۲، باب ۳۴، ص ۳۶۱.

مطمئن تر از «حبل ولایت» می توان یافت که بتواند از «افتادن به چاه ضلالت» و «گرفتار شدن به دام انحراف» جلوگیری کند؟!

ب) تمسک به تقوا

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ لِصاحِبِ هذَا الأَمْرِ غَیْبَهٌ فَلْیَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْیَتَمَسَّکْ بِدِینِه؛(۱)

به یقین صاحب این امر را غیبتی هست، پس هر بنده ای باید به تقوای الهی روی آورد و به دینش چنگ زند».

همین تقواست که روشن بینی و رزق بی حساب و گشایش الهی را نصیب انسان می سازد، و همین تقواست که در لحظه های خوف و خطر دل را آرامش می دهد، و همین تقواست که در دوران فتنه خیز غیبت مایه رستگاری انسانهاست.

ج) طلب معرفت

زراره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: اگر زمان غیبت فرزندت مهدی علیه السلام را درک کردم چه کنم؟

فرمود: این دعا را بخوان:

«اَللّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ، فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَکَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَکَ، اَللّهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَکَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَکَ، اَللّهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دِینِی؛(۲) خدایا خودت را به من بشناسان که اگر تو خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نتوانم شناخت. خدایا پیامبرت را به من

۱- ۹۳. کافی: ج ۲، ص ۱۳۲، باب فی الغیبه.

۲- ۹۴. همان: ص ۱۳۵.

بشناسان که اگر تو پیامبرت را به من نشناسانی، حجّتت را نتوانم شناخت. خدایا حجّت خود را به من بشناسان که اگر تو حجّتت را به من نشناسانی، از دینم گمراه خواهم شد».

۱ – معرفت ها را از خدا باید طلبید.

۲ – شناخت پیامبرصلی الله علیه وآله تابع شناخت خدا، و شناخت حجّت متفرّع بر شناخت پیامبرصلی الله علیه وآله است.

۳ – اگرچه بدون شناخت خدا و پیامبرصلی الله علیه وآله، شناخت حجّت ممکن نیست، امّا گمراهی از دین در اثر عدم شناخت حجّت لازم می آید. به عبارت دیگر: عدم گمراهی از دین بدون شناخت حجّت تضمین نمی شود.

و بدیهی است که هر دعایی، تنها پشتوانه حرکت به حساب می آید، اصل دعا ابراز نیاز درونی و طلب تأیید الهی در حرکت بیرونی است.

نیاز به معرفت که احساس شد و حرکت برای کسب معارف که توسط بنده آغاز گردید. اگر دل با خدا باشد و گام در راه او قرار گیرد، وصول به معرفت تضمین شده است.

«قُلْ ما یَعْبَؤُ رَبِّی لَوْلا دُعآؤُکُمْ»؛(۱)

بگو! اگر دعای شما نباشد، پروردگار من به شما عنایتی نکند».

د) تقیّه به عنوان سلاح مقاومت

امام رضاعلیه السلام فرمود:

«لاـ دِینَ لِمَنْ لاـ وَرَعَ لَهُ، وَلاـ إِیمانَ لِمَنْ لا تَقِیَّهَ لَهُ، إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَعْمَلُکُمْ بِالتَّقِیَّهِ، فَقِیلَ لَهُ: یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! إِلی مَتی قالَ: إِلی یَوْمِ الوَقْتِ المَعْلُومِ، وَهُوَ یَوْمُ خُرُوجِ قائِمِنا أَهْلِ البَیْتِ؛(۲)

۱– ۹۵. سوره فرقان: آیه ۷۷.

۲– ۹۶. کمال الدین: ج ۲، باب ۳۵، ص ۳۷۱.

کسی که از گناه نپرهیزد دین ندارد، و کسی که تقیّه نداشته باشد ایمان ندارد، همانا گرامی ترین شما نزد خدا کسی است که به تقیّه بیشتر و بهتر عمل کند».

گفته شد: ای فرزند رسول خدا! تا کی؟!

فرمود: تا روز وقت معلوم، که همان روز ظهور و زمان قیام قائم ما اهل بیت است.

تقیّه هرگز به معنای دم فروبستن و بی تفاوت ماندن و بنا به مصلحت اصطلاحی رفتار کردن و نان به نرخ روز خوردن نیست.

تقیّه هرگز به معنای دست کشیدن از آرمانها و همراه شدن با هر کس و ناکس نیست. تقیّه ای که از وظایف شیعیان در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام شمرده شده و ارزشی هم سنگ با تقوا دارد و عدم رعایتش مساوی با بی ایمانی شمرده شده، نوعی سلاح مقاومت است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیات (۹۵ تا ۹۷) سوره کهف که درباره بنای سدّ توسط ذوالقرنین است و طیّ آنان از سدّی بلند که دشمنان نتوانند بر فرازش روند و از شکافتنش ناتوان باشند، حکایت شده است. می فرماید:

«إذا عَمَلْتَ بِالتَّقِیَّهِ لَمْ یَقْدِرُوا لَکَ عَلی حِیلَهٍ وَهُوَ الحِصْنُ الحَصِینُ وَصارَ بَیْنَکَ وَبَیْنَ أَعْداءِ اللَّهِ سَدّاً لا یَسْتَطِیعُونَ لَهُ نَقَباً؛(۱) هنگامی که به تقیّه عمل کنی چاره ای علیه تو نمی یابند، و نمی توانند با تو نیرنگ بازند، و آن به مانند دژی استوار و محکم است و بین تو و دشمنان خدا سدّی نفوذ ناپذیر ایجاد می کند».

۱- ۹۷. تفسیر نور الثقلین: ج ۳ ذیل آیه شریفه، حدیث ۲۳۲.

پس تقیّه، چاره ای برای در امان ماندن از دشمن مقتدر و فرصتی برای قدرت یافتن خویش است تا نیروها بیهوده هدر نروند و در موقع مناسب توان ضربه زدن به دشمن را داشته باشند.

ه) انتظار آگاهانه

امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَقْرَبُ ما یَکُونُ العِبادُ مِنَ اللَّهِ جَلَّ ذِکْرُهُ وَأَرْضی ما یَکُونُ عَنْهُمْ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّهَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَلَمْ یَظْهَرْ لَهُمْ وَلَمْ یَعْلَمُوا مَکانَهُ وَهُمْ فِی ذلِکَ یَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّهَ اللَّهِ جَلَّ ذِکْرُهُ وَلا مِیثاقَهُ، فَعِنْدَها فَتَوَقَّعُوا الفَرَجَ صَباحاً وَمَساءً...؛(۱) زمانی که بندگان به خدای بزرگ نزدیک شوند و خدا از ایشان بیشتر راضی است، زمانی است که حجّت خدای تعالی از میان آنان ناپدید گردد و ظاهر نشود و آنان جایش را هم ندانند، با این همه بدانند که حجّت و میثاق خدا از بین نرفته و باطل نشده است. در آن حال، در هر صبح و شام چشم انتظار فرج باشید».

فضیلت بندگان خدا در این زمان و رضایت بیشتر خداوند از آنان، بدین جهت است که آنان بی آنکه امام خویش را ببینند و معجزاتش را مشاهده کنند و در حیرتها به در خانه اش پناهنده شوند، تنها با اعتماد به خدا و پایبندی به تقوا و دوستی اهل بیت، میثاق الهی را نگاهبانی کرده و مرزهای عقیده را پاس می دارند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«یا أَبابَصِیرٍ! طُوبی لِشِیعَهِ قائِمِنَا المُنْتَظِرِینَ لِظُهُورِهِ فِی غَیْبَتِهِ

۱- ۹۸. کافی: ج ۲، ص ۱۲۷، باب نادر فی الغیبه.

وَالمُطِیعِینَ لَهُ فِی ظُهُورِهِ، أولئِکَ أَوْلِیآءُ اللَّهِ الَّذِینَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلا هُمْ یَحْزَنُونَ؛(1) ای ابوبصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما که در دوران غیبت او در انتظار ظهورش به سر می برند و در دوران ظهورش به اطاعت او روی می کنند، آنان اولیای خدا هستند که هیچ ترس و اندوهی بر ایشان نیست».

با هم آمدن دو وصف «انتظار در غیبت» و «اطاعت در ظهور» برای شیعیان حضرت قائم علیه السلام، نشان دهنده نوعی ملازمت بین آن دو وصف است. به این معنا که شیعیان منتظر در دوران غیبت چنان امام خود را شناخته و در اطاعتش می کوشند که اگر دوران ظهور تحقق می یافت، در زمره مطیعین حقیقی او بودند.

و) حزن و اندوه بر مصائب غیبت و دعا برای ظهور

سدیر صیرفی گوید: با برخی از اصحاب بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم، او را نشسته بر خاک دیدیم در حالی که عبایی خشن با آستین کوتاه پوشیده و با قلبی سوخته، همچون مادر فرزند از دست داده می گریست، رنگ چهره اش تغییر کرده و اندوه از گونه های مبارکش پیدا بود و اشکهایش لباسش را خیس کرده بود و ناله می کرد:

«مولای من! غیبت تو خواب را از چشمانم ربوده و زمین را بر من تنگ نموده و آسایش دلم را از من گرفته است!

مولای من! غیبت تو بلا و مصیبت مرا به فاجعه های ابدی پیوند داده و از دست دادن یاران، یکی پس از دیگری، اجتماع و شماره ما را از بین برده، هنوز سوزش اشکی که از چشمم می ریزد و ناله ای که از دلم برمی خیزد با

۱- ۹۹. کمال الدین: ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۵۷.

یـاد بلاهـا و سـختی های - دوران غیبت تو - پایان نیافته که درد و رنـج شدیـدتر و دردناک تری در برابر دیـدگانم شـکل می گیرد!»

سدیر گوید: شگفت زده پرسیدیم: این ماتم و گریه برای چیست؟!

امام صادق علیه السلام آهی عمیق و سوزناک کشید و فرمود:

ای وای! صبح امروز در کتاب جفر نظر می کردم و درباره ولادت و غیبت طولانی و طول عمر قائم ما و بلاهای مؤمنین در آن زمـان و ایجـاد شـک و تردیـد در اثر طول غیبت و ارتـداد اکثریت مردم از دین و خروج آنـان از تعهـد به اسـلام تأمـل و دقّتی داشتم، در اثر آن، رقّت مرا فرا گرفت و حزن و اندوه بر من چیره شد».(۱)

وقتی حال امام صادق علیه السلام - که حدود یکصد سال قبل از آغاز دوره غیبت می زیسته است - چنین باشد، باید دید حال سرگشـتگان دوران غیبت و دورماندگان از چشمه زلال ولایت چگونه باید باشد. بیهوده نیست که در هر مناسبتی شادی آفرین یا غمبار، سفارش به قرائت دعای ندبه شده ایم که حدیث اشک و سوز دل منتظران مهدی علیه السلام است.

و بی مورد نیست که این چنین بر دعا برای فرج در زمان غیبت تأکید شده است.

امام زمان علیه السلام می فرماید:

«أَكْثِرُوا الدُّعآءَ بِتَعْجِيلِ الفَرَجِ؛(۲)

برای نزدیک شدن ظهور و فرج بسیار دعا کنید».

۱- ۱۰۰. کمال الدین: ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۵۳ با رعایت کمی اختصار.
۲- ۱۰۱. احتجاج: ج ۲، ص ۲۸۴.

* * *

سنّت انتظار

از آن زمان که پیامبرصلی الله علیه وآله سخن از جهانی شدن آیین توحید به دست حضرت مهدی علیه السلام به میان آورد و نوید غلبه اسلام بر تمامی ادیان را به مسلمانان داد، و بهترین عبادت را انتظار فرج اسلام و مسلمین به حساب آورد،(۱) مسلمانان دیده انتظار به راه دولت کریمه ای دوختند که در آن اسلام و اسلامیان عزّت می یابند و کفر و نفاق به ذلّت و زبونی گرفتار می آیند.(۲)

در دوران پس از پیامبرصلی الله علیه وآله نیز، هر زمان که فتنه خلفای جور شدت می گرفت، پیشوایان معصوم علیهم السلام می کوشیدند با انگیزش انتظار، امید را در دلهای ستمدیدگان زنده نگه دارند و شور مقاومت و مبارزه را در وجودشان برانگیزانند.

چنانکه امیر المؤمنین علی علیه السلام به اصحاب خویش می فرمود:

«اِنْتَظِرُوا الفَرَجَ وَلا تَيْأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ، فَإِنَّ أَحَبَّ الأَعْمالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ اِنْتِظارُ الفَرَجِ (إِلى أَنْ قالَ:) اَلْآخِذُ بِأَمْرِنا مَعَنا غَداً فِي حَظِيرَةِ القُدْسِ وَالمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنا كَالمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛(۳) چشم انتظار فرج باشید و از یاری و رحمت خدا ناامید نشوید، به یقین محبوب ترین کارها در نزد خدا انتظار فرج است. (تا آنجا که فرمود:) کسی که به امر ولایت ما چنگ زند، فردای قیامت در روضه رضوان با ما خواهد بود و کسی که در انتظار امر ما به سر ببرد، مانند کسی است که در راه خدا به خون غلطیده باشد».

۱- ۱۰۲. ینابیع الموده: ص ۴۹۴ و ۴۹۵.

۲- ۱۰۳. اللهمّ إنّانرغب إلیک فی دوله کریمه تعزّ بهاالإسلام وأهله وتذلّ بهاالنفاق وأهله - دعای افتتاح.

۳- ۱۰۴. منتخب الأثر: فصل ۱۰، باب ۲، ص ۴۹۸.

تأکید بر امر انتظار فرج از طرف پیشوایان دین، تا آنجا بود که بسیاری از اصحاب، شرایط موجود زمان خود را برای حصول فرج کافی دانسته، امام آن دوران را به عنوان صاحب الامر می پنداشتند و در این باره از او سؤال می کردند. چنین توهمی در دهها روایت، از جمله روایت شعیب بن ابی حمزه در برابر امام صادق علیه السلام و ریّان بن الصلت در برابر امام رضاعلیه السلام مطرح گردیده که می پرسد: أنت صاحب الأمر؟(۱)

و نیز در همان زمانها، کسانی از موالیان اهل بیت علیهم السلام بودند که بر سنّت انتظار فرج آن چنان پافشاری می کردند که به ترک کسب و کارشان می انجامید، به طور نمونه می توان از شخصی به نام عبد الحمید واسطی نام برد که خدمت امام محمد باقرعلیه السلام می رسد و می گوید:

«أَصْلَحَکَ اللَّهُ، لَقَدْ تَرَکْنا أَسْواقَنا اِنْتِظاراً لِهذَا الأَمْرِ؛ خدا امرت را اصلاح کند، ما به خاطر انتظار این امر، کار و کسب خویش در بازارها را رها کرده ایم».

امام باقرعلیه السلام به عنوان تأیید و تصدیق موضع منتظرانه او می فرماید:

«یا عَبْدَ الحَمِیدِ! أَ تَری مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، لا یَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً؟ بَلی وَاللَّهِ لَیَجْعَلَنَّ لَهُ مَخْرَجاً؛(۲) ای عبد الحمید! آیا به نظر تو کسی که خودش را وقف برای خدای عزّوجلّ نموده باشد، خداوند برایش فرج و گشایشی حاصل نمی فرماید؟ چرا، به خدا سوگند که حتماً برای او گشایش و رهایی قرار می دهد».

۱- ۱۰۵. منتخب الاثر: ص ۲۲۱ و ۲۴۹ و سایر ابواب.

۲- ۱۰۶. کمال الدین: ج ۲، باب ۵۵، ص ۶۴۴.

سنّت انتظار در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام به حق جلوه ای ویژه دارد. منتظران حقیقی این دوران، هیچ شبی را بدون حالت انتظار به صبح نرساندند، انتظار تا آنجا که شمشیر بر زیر بستر خود می نهادند تا اگر فردا روز ظهور باشد، بی درنگ به یاری مولایشان بشتابند.

* * *

ولایت فقیه

ولایت فقیه پرتوی از ولایت امام زمان علیه السلام، و ولایت امام زمان علیه السلام پرتوی از ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، و ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله پرتوی از ولایت اللَّه جلّ و علا است.

از دیدگاه مکتب توحید، مالك همه چیز و همه کس خداست و همچنین مالکیت مطلقه او منشأ حاکمیت مطلقه اوست. از این رو، بنابر اعتقاد موحدان، هر حکومتی باید از حکومت اللَّه سرچشمه گیرد و بر اساس اراده و اجازه او تشکیل شود.

آن زمان که خداوند پیامبرانش را برای هدایت انسانها فرستاد، حق زمامداری آنان را نیز امضا فرمود و همگان را به تبعیت و فرمان بری آنان در همه زمینه ها دعوت نمود.

درباره پیامبر گرامی اسلام فرمود:

«فَلا وَرَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتّى يُحَكِّمُوكَ فِيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيماً»؛(۱) قسم به پروردگار تو! این مردم مؤمن واقعی نخواهند بود، مگر آنکه

۱- ۱۰۷. سوره نساء: آیه ۶۵.

حکومت و داوری تو را در همه موارد مورد اختلاف خویش بپذیرند، سپس نسبت به رأی و قضاوت تو - حتّی اگر مخالف منافع آنان باشد - کاملاً تسلیم باشند و حتّی در درون دل خویش، هیچ گونه نارضایتی و ناراحتی احساس نکنند».

و نیز در همین باره فرمود:

«اَلنَّبِیُّ أَوْلی بِالمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»؛(۱) - در رعایت مصالح فردی و اجتماعی ایمان آوردگان - ولایت پیامبرصلی الله علیه وآله بر جان و مال آنان بالاتر و بیشتر از ولایت خود آنان است».

بدیهی است که این ولایت با رحلت پیامبرصلی الله علیه وآله پایان نمی پذیرد و حفظ حدود اسلام و استقرار نظام مسلمین که حکمت امضای چنین ولایتی برای آن حضرت علیه السلام بود، پس از او نیز استمرار می یابد، و بدین طریق ائمه بزرگواری که وارثان تمام شؤون پیامبر - غیر از نبوّت - می باشند، عهده دار این ولایت و حاکمیت به حساب می آیند.

امام رضاعلیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الإِمامَةَ خِلافَةُ اللَّهِ وَخِلافَةُ رَسُولِهِ صلی الله علیه وآله وَمَقامُ أَمِیرِ المُؤْمِنِینَ علیه السلام وَخِلافَةُ الحَسَنِ وَالحُسَیْنِ علیهما السلام. إِنَّ الإِمامَ زِمامُ الدِّینِ وَنِظامُ المُسْلِمِینَ وَصَلاحُ الدُّنْیا وَعِزُّ المُؤْمِنِینَ، اَلإِمامُ أَسُّ الإِسْلامِ النَّامِی وَفَرْعُهُ السَّامِی. بِالإِمامِ تَمامُ الصَّلوه وَالزَّکوهِ وَالصِّیامِ وَالحَجِّ وَالجِهادِ وَتَوْفِیرِ الفِیْ ءِ وَالصَّدَقاتِ وَإِمْضاءِ الحُدُودِ وَالأَحْکامِ وَمَنْعِ الثُّغُورِ وَالأَطْرافِ؛(۲) به راستی امامت، خلافت خدا و خلافت

۱- ۱۰۸. سوره احزاب: آیه ۶.

۲- ۱۰۹. تحف العقول: ۴۶۲.

رسول خداصلی الله علیه وآله و مقام امیر المؤمنین علیه السلام و خلافت حسن و حسین علیهما السلام است. به راستی امام، زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزّت مؤمنان است. امام، بنیاد رشد کننده اسلام و شعبه والای آن است. به وسیله امام است که نماز و زکات و روزه و حجّ و جهاد شکل می گیرند و کمال می یابند و خراج و صدقات فزونی می پذیرند و حدود و احکام الهی اجرا می شوند و مرزها و جوانب مملکت اسلامی محفوظ می مانند».

در این دوران، می توان امام زمان حضرت مهدی علیه السلام که از جانب خدا و به تبعیت از پیامبر دارنده همه شؤونات مذکور است، در پس پرده غیبت به سر می برد و از سوی دیگر تردیدی نیست که با غیبت آن بزرگوار، خداوند حکیم پیروان او وامّت بزرگ اسلام را بی سرپرست و بلاتکلیف نمی پسندد.

پس یا باید پذیرفت که خداوند امر تعیین حاکم و ولیّ امر را مطلقاً برعهده خود مردم وانهاده است که ممکن نیست. چون شرایط غیبت حکمت های جعل حاکم و ولیّ امر الهی را تغییر نداده، بلکه آن را ضروری تر می سازد، و خدایی که در دوران حضور پیامبرصلی الله علیه وآله و امام علیه السلام مردم را بی رهبر و سرپرست نپسندیده، وانهادگی آنان را در زمان غیبت امضا نمی فرماید.

و یا باید قبول کرد که در دوران غیبت نیز اشخاصی با بهره گیری از ولایت الهی و حقّ حاکمیت پیامبر و امام، در چهارچوبه کلمات راه گشا و فرمایشات مسؤولیت بخش خود آن بزرگواران، حقّ ولایت و وظیفه سرپرستی مسلمین را برعهده دارند.

اسحاق بن یعقوب از امام زمان علیه السلام طیّ نامه ای می پرسد که به هنگام غیبت شما در حوادثی که روی می دهد به چه کسی مراجعه کنیم؟ فرمود:

«أَمَّا الحَوادِثُ الواقِعَهُ فَارْجِعُوا فِيها إِلى رُواهِ حَدِيثِنا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِی عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّهُ اللَّهِ؛(۱) در حوادث و رویدادهایی که برایتان پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید که آنها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدایم».

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

«فَأَمَّا مَنْ كانَ مِنَ الفُقَهاءِ صائِناً لِنَفْسِهِ حافِظاً لِدِينِهِ مُخالِفاً لِهَواهُ مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلاهُ، فَلِلْعَوام أَنْ يُقَلِّدُوهُ؛(۲) هر فقیهی که نگهدارنده نفس - از انحرافات و لغزشها - و حفظ کننده دین و مخالف با هواهای نفسانی و مطیع امر مولای خویش باشد، بر عامّه مردم است که تقلید کننده - و تابع - او باشند».

و امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَنْظُرُ إِنَّ مَنْ كانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ رَوى حَدِيثَنا وَنَظَرَ فِی حَلالِنا وَحَرامِنا وَعَرَفَ أَحْكامَنا فَلْيَرْضُوا بِهِ حَكَماً فَإِنِّی قَدْ جَعَلْتُهُ حاكِماً؛(۳) آنان که با هم اختلافی دارند باید بنگرند و یک نفر از بین شما را که راوی حدیث ما و صاحب نظر در حلال و حرام باشد و احکام ما را بشناسد، شناسایی کنند و او را حَکَم قرار دهند، زیرا من او را حاکم بر شما قرار دادم».

ص:۷۶

۱- ۱۱۰. وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۲- ۱۱۱. سفینه البحار: ج ۲، ص ۳۸۱.

۳- ۱۱۲. وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۹۹.

ساده اندیشانه خواهد بود اگر کسی بگوید دائره این «حجت قرار گرفتن» و «لزوم تبعیت و تقلید» و «جعل حاکمیت» فقط منحصر در اختلافات شخصی دو نزاع کننده یا پاره ای فروع فقهی می باشد، وامام زمان علیه السلام و سایر امامان بزرگوار در این فرمایشات به امر مهمّ حکومت و راهبری اجتماع بر اساس قواعد اسلام و قرآن نظری نداشته و تشکیل حکومت اسلامی و کیفیت پیاده شدن احکام اجتماعی این دین مبین را، در این احادیث و نظایر آنها نادیده گرفته و دست فتنه پردازان دوره غیبت را در بازیچه قرار دادن نظام اسلام و مسلمین کاملاً باز قرار داده اند!»

امام راحل قدس سره در مبحث ولایت فقیه از «کتاب البیع»، بعد از نقل و بررسی دهها دلیل و روایت معتبر می فرماید:

از آنچه بیان شده نتیجه می گیریم که فقهاء از طرف ائمه علیهم السلام در جمیع آنچه در اختیار آنان بوده است، دارای ولایت هستند، مگر دلیلی بر اختصاص امری خاص به معصوم علیه السلام اقامه شود که در آن صورت این اصل کلی استثناء می خورد...

ما قبلاً گفتیم همه اختیاراتی که در خصوص ولایت و حکومت برای پیامبرصلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام معیّن شده است، عیناً برای فقیه نیز معیّن و ثابت است. اما اگر ولایتی از جهت دیگر غیر از زمامداری و حکومت برای ائمه علیهم السلام معین و دانسته شود، در این صورت فقهاء از چنین ولایتی برخوردار نخواهند بود. پس اگر بگوییم امام معصوم علیه السلام راجع به طلاق دادن همسر یک مرد یا فروختن و گرفتن مال او - گرچه مصلحت عمومی هم اقتضا نکند - ولایت دارد، این دیگر در مورد فقیه صادق نیست و او در این امور ولایت ندارد، و در تمام دلایل که پیش تر راجع به ولایت فقیه

گفتیم، دلیلی بر ثبوت این مقام برای فقها وجود نـدارد، چنان که در کلام امام راحل قدس سـره اشاره شده، ولایت فقیه با همه گسترد گی اش در حیطه حفظ مصلحت عمومی جامعه اسلامی شکل می گیرد.

به عبارت دیگر: فقیه جامع الشـرایط در هر شـرایط زمانی و مکانی و اجتماعی بایـد راهی را برگزینـد که مکتب و مقرّرات آن بهتر اجرا شود، و به تعبیر فقها باید «غبطه مسلمین» را رعایت نماید، به این معنا که در همه امور باید آنچه را که بیشتر به صلاح اسلام و مصلحت مسلمین است اختیار کند.

از همین دیدگاه است که در حکومت اسـلامی دوران غیبت، تشـکیل قوای سه گانه قانون گذاری، قضایی، اجرایی و نهادهای نظارتی از طرف فقیه ضـرورت می یابد و با همه اختیاراتی که ولیّ فقیه در اداره اجتماع دارد، باز هم مراجعه به آرای مردم در اموری چون تعیین رئیس جمهور و نوّاب مجلس و غیره معنا پیدا می کند.

ص:۷۸

ظهور حضرت مهدی علیه السلام

مقدّمات ظهور

اشاره

بـدون شک پیش از ظهور حضـرت مهدی علیه السـلام علامات و نشانه هایی پدید خواهد آمد که طی روایات زیادی از زمان رسول خداصلی الله علیه وآله و امیر المؤمنین علیه السلام تا زمان خود مولا امام زمان علیه السلام بر آنها تأکید می شده است.

الف) پدیده ها

برخی از این نشانه ها مربوط به پدیده های طبیعی است: همچون بروز طاعون، خشکسالی، کسوف و خسوف در رمضان.

و برخی دیگر مربوط به پدیده های اجتماعی می باشد: مانند بروز جنگهای متعدّد، خروج سفیانی، فساد اجتماعی.

و دسـته ای دیگر پدیـده هـای غیر طـبیعی ویژه ای است: چـون صـیحه آسـمانی، سـرخی آتش گونه ای در آسـمان، فرو رفتن لشکری در زمین.

ب) اختصاص به زمان

برخی از این نشانه ها اختصاص به زمان خاصـی نـدارد و ممکن است سالها بلکه دهها سال قبل از ظهور اتفاق بیفتد، اما برخی دیگر از آنها اختصاص به سال ظهور دارد. چنانکه در روایتی از قول امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:

ص:۸۱

«قبل از قیام قائم علیه السلام پنج واقعه رخ می دهد: قیام یمانی، خروج سفیانی ندای آسمانی، فرو رفتن لشکر در بیداء و کشته شدن نفس زکیه».

و در حدیثی دیگر فرمود:

«لَیْسَ بَیْنَ قائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَقَتْلِ نَفْسِ الزَّکِیَّهِ إِلاَّ خَمْسَهَ عَشَرَ لَیْلَهً؛ بین ظهور قائم آل محمدعلیهم السلام و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شب فاصله نیست».

ج) نشانه های قطعی و غیر قطعی

بعضی از این نشانه ها قطعی و حتمی است و برخی دیگر نشانه های غیر قطعی به شمار آمده اند که در تعیین این جهت، بین روایات این باب اختلاف وجود دارد.

قابل تذکّر اینکه علیرغم بحث های جنجالی و اختلاف آفرینی که گاهی بر سر بروز پاره ای نشانه ها و مقدار دلالت آن بر نزدیک شدن ظهور خجسته مولا امام زمان علیه السلام پیش می آید، باید توجه داشت که:

اوّلاً: هیچ کس حق ندارد با استناد به نشانه ای خاص که به نظر او یقیناً از علامات ظهور شمرده می شود، وقتی خاص را برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام تعیین نماید؛ زیرا در آن صورت به تصریح خود مولا، مشمول «کذب الوقّاتون» شده و در هر رتبه علمی و اجتماعی هم که باشد، باید مورد تکذیب قرار گیرد.

ثانیاً: آنچه اهمیت دارد حفظ آمادگی مردم برای ظهور امام زمان علیه السلام است به گونه ای که هر صبح و شام آمادگی داشته باشند که اگر امر فرج امضاء شد، بتوانند به یاری او قیام کنند و در راه اهداف الهی او از مال و جان و امکانات خویش درگذرند.

ص:۸۲

به عبـارت دیگر: حتّی در صورتی که بر فرض، هیـچ نشـانه ای بر قرب ظهور دلالت نکنـد، نمی توان غافلانه به زنـدگی عادی پرداخت و از وظیفه هایی که شیعه و همه مردم نسبت به ساحت مقدس امام زمان علیه السلام دارند، غفلت کرد.

ثالثـاً: نظام جمهوری اسـلامی در ایران، بهترین زمینه را برای آزمایش منتظران در کیفیت یاری رسانی به امام عصـرعلیه السـلام فراهم کرده است، لـذا بر همه منتظران حقیقی امـام زمـان علیه السـلام است که همه امکانـات خـویش را در حفـظ این نظـام و تضمین بقای آن، در راستای احکام و قرآن و ولایت بکار گیرند.

رابعـاً: میزان پایبنـدی کسانی که همواره دم از امام زمان علیه السـلام می زننـد و بر سـر اثبات فلان نشانه ظهور و حکایت فلان دیدار با مولا کتابها می نویسـند، باید فداکاری آنان در هدایت اجتماعی و برقراری عدالت و مسؤولیت پذیری آنان در این راه اثبات شود.

* * *

نگاهی به دوران پس از ظهور

توضیح

دوران پس از ظهور حضـرت مهـدی علیه السـلام، بدون شک والاترین، شـکوفاترین و ارجمندترین فصل تاریخ انسانیت است. دورانی که وعـده هـای خداونـد در خلافت مؤمنان و امامت مستضـعفان و وراثت صالحان عملی می گردد، و جهان با قـدرت الهی آخرین پرچمدار عدالت و توحید، صحنه شکوهمندترین جلوه های عبادت پروردگار می شود.

در احادیث مختلف، گوشه هایی از عظمت آن دوران به تصویر کشیده شده است:

۱ – حاکمیت اسلام در سراسر هستی

امام باقرعلیه السلام در تفسیر این آیه از قرآن کریم:

«وَقاتِلُوهُمْ حَتّی لا تَکُونَ فِتْنَهً»(۱)؛ با آنان بجنگید تا زمانی که فتنه نماند و دین تماماً برای خدا باشد.

چنین می فرماید:

«تأویل این آیه هنوز نیامده است، پس زمانی که تأویل آن فرا رسد، آن قدر از مشرکین کشته می شوند تا بقیّه خدای عزّوجلّ را به آیین توحید پرستش نمایند و هیچ آثاری از شرک باقی نماند، و این امر در قیام قائم ما تحقق خواهد یافت».

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«إِذا قامَ القائِمُ لا یَبْقی أَرْضٌ إِلاَّ نُودِیَ فِیها شَهادَهَ أَنْ لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ؛(۲) زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، هیچ سرزمینی نمی ماند مگر اینکه ندای شهادتین - لا إله إلاّ اللَّه و محمّد رسول اللَّه - در آن طنین اندازد».

۲ – اقامه کامل حدود الهی

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «یُحْیِی الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها»(۳) با اشاره به قیام حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«مراد این نیست که خداوند زمین را با باران زنده می کند، بلکه خداوند مردانی را برمی انگیزد که زمین را با احیای عدالت و اقامه حدود الهی زنده می سازند».(۴)

۱- ۱۱۳. سوره انفال: آیه ۳۹.

۲- ۱۱۴. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۴۰، به نقل از تفسیر عیاشی.

۳- ۱۱۵. سوره حدید: آیه ۱۷.

۴- ۱۱۶. مکیال المکارم: ج ۱، ص ۸۱.

۳ – احیای قرآن و معارف قرآنی

امیر المؤمنین علیه السلام با اشاره به قیام حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

«كَأَنِّی أَنْظُرُ إِلی شِیعَتِنا بِمَسْجِدِ الكُوفَهِ، وَقَدْ ضَرَبُوا الفَساطِیطَ یُعَلِّمُونَ النَّاسَ القُرْآنَ كَما أُنْزِلَ؛(۱) گویا شیعیان ما اهل بیت را می بینم که در مسجد کوفه گرد آمده و خیمه هایی زده اند و در آنها قرآن را آنچنان که نازل شده است به مردم می آموزند».

مولا علی علیه السلام در خطبه ای دیگر، درباره عملکرد حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور فرمودند:

«یَعْطِفُ الهَوی عَلَی الهُدی إِذا عَطَفُوا الهُدی عَلَی الهَوی وَیَعْطِفُ الرَّأْیَ عَلَی القُرْآنِ إِذا عَطَفُوا القُرْآنَ عَلَی الرَّأْیِ؛(۲) آن هنگام که مردم هدایت را تابع هوای خویش قرار داده باشند، او می آید و خواسته های نفسانی را به تبعیت از هدایت می کشاند. و آن زمان که مردم قرآن را مطابق نظر و رأی خود توجیه کرده باشند، او می آید و رأی و اندیشه را به خدمت قرآن می گیرد و آن را در مطابقت با قرآن شکل می بخشد».

۴ – گسترش عدالت و رفع ستم

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«اَلمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِی تَكُونُ لَهُ غَیْبَهٌ إِذا ظَهَرَ یَمْلَأُ الأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً؛(۳) مهدی علیه السلام از فرزندان من است

ص:۸۵

۱– ۱۱۷. بحار الأنوار: ج ۵۲، ص ۳۶۴.

۲– ۱۱۸. نهج البلاغه: صبح صالح، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۵، قطع جیبی.

۳– ۱۱۹. ینابیع المودّه: ص ۴۴۸.

او را غیبتی هست، زمانی که ظهور کند زمین را از قسط و عدل پر سازد چنان که از ظلم و جور پر شده باشد».

این حدیث و نظایر آن، در کتب شیعه و سنی از شهرت و تواتر فوق العاده ای برخوردار است و در اغلب آنها عناوین قسط و عدل در کنار هم آمده است که یقیناً فرق هایی با یکدیگر دارند. مانند اینکه گفته اند: عدل اعمّ از قسط است. قسط فقط رعایت حقّ دیگران است و عدل رعایت حقّ همه چیز و همه کس؛ قسط فقط در مورد دیگران بکار می رود و عدل در مورد رابطه انسان با خود، با خدا و با دیگران؛ قسط ضدّ جور است و عدل ضدّ ظلم.

۵ – تجدید اسلام

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذا قامَ القائِمُ علیه السلام دَعَا النَّاسَ إِلَی الإِسْلامِ جَدِیداً؛(۱) هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام می کند مردم را مجدّداً به اسلام فرا می خواند».

دوران پرفراز و نشیب پس از رحلت پیامبرصلی الله علیه وآله و روی کار آمدن اسلام خلافت، موجبات تحریف و توجیه مبانی اسلامی و معارف دینی را فراهم کرد، و دور ماندن مردم از اهل بیت علیهم السلام که پاسداران حریم اسلام ناب محمدی بودند، خصوصاً در دوران غیبت طولانی امام زمان علیه السلام، چنان فکر و اندیشه مسلمین را با حقایق وحی بیگانه کرد که امام صادق علیه السلام به دنبال همان فرمایش فوق می فرماید:

«او دوباره مردم را به اسلام دعوت می کند و به امری هدایت می کند که از میان رفته است و مردم از مسیر آن گمراه شده اند. همانا حضرت قائم علیه السلام

۱- ۱۲۰. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۳۰.

مهدی نامیده شده است به خاطر آنکه به امری گم شده هدایت می کند و قائم نامیده شد از آن رو که به حقّ قیام می کند».(۱)

امام باقرعلیه السلام درباره سیره حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«آنچه را پیامبرصلی الله علیه وآله انجام داد او نیز انجام می دهد، بنیان های پیشین را درهم می شکنند، چنانکه رسول خداصلی الله علیه وآله امر جاهلیت را درهم شکست، و او اسلام را دوباره از سر می گیرد. «وَیَسْتَأْنِفُ الإِسْلامَ جَدِیداً».(۲)

۶ – کمال دانش و معرفت

امام صادق علیه السلام فرمود: «علم بیست و هفت حرف است – بیست و هفت قسمت دارد – همه معارفی که پیامبران علیهم السلام آورده اند، دو حرف است. پس مردم تا امروز بیش از این دو حرف را نشناخته اند».

«فَإِذا قامَ قائِمُنا أَخْرَجَ الخَمْسَهَ وَالعِشْرِینَ حَرْفاً فَبَثَّها فِی النَّاسِ وَضَمَّمَ إِلَیْهَا الحَرْفَیْنِ؛(۳) پس زمانی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را ظاهر ساخته و با آن دو حرف قبلی ضمیمه ساخته و در بین مردم منتشر گرداند».

ابزار دانش اندوزی آن چنان گسترش می یابد و فراگیری معارف آن قدر آسان می شود که همگان در همه جا به زینت علم و معرفت دست می یابند و از دانش یکدیگر بی نیاز می شوند.

امام باقرعلیه السلام فرمود:

«تُؤْتُونَ الحِکْمَهَ فِی زَمانِهِ، حَتّی أَنَّ المَرْأَهَ لَتَقْضِیَ فِی بَیْتِها بِکِتابِ

ص:۸۷

۱- ۱۲۱. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۳۰.

۲- ۱۲۲. مکیال المکارم: ج ۱، ص ۵۷.

۳- ۱۲۳. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۳۶، حدیث ۷۳.

اللَّهِ تَعالی وَسُنَّهَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله؛(۱) در زمان حضرت مهدی علیه السلام به دانش و حکمت دست می یابید تا آنجا که زن در خانه اش بر اساس کتاب خدای تعالی و سنّت رسول خداصلی الله علیه وآله قضاوت می کند».

و امیر المؤمنین علیه السلام درباره دوران پس از ظهور مهدی علیه السلام فرمود:

«یَقْذِفُ فِی قُلُوبِهِمُ العِلْمَ، فَلا یَحْتاجُ مُؤْمِنٌ إِلی ما عِنْدَ أَخِیهِ مِنْ عِلْمٍ؛(۲) دانش در دلهای مؤمنین انداخته می شود، در آن زمان مؤمن، نیازی به دانش برادر ایمانی خویش پیدا نمی کند».

۷ – رشد عقلی

امام باقرعلیه السلام فرمود:

«إِذا قامَ قائِمُنا وَضَعَ اللَّهُ یَدَهُ عَلی رُؤُوسِ العِبادِ فَجَمَعَ بِها عُقُولَهُمْ وَکَمُلَتْ بِهِ أَحْلامَهُمْ؛(۳) آن زمان که قائم ماعلیه السلام قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان گذارد و بدین وسیله عقول آنان را جمع کند و سامان بخشد و فکر و اندیشه آنان را کامل گرداند».

حال با توجّه به احادیثی که در این زمینه آمده است، نظیر:

«إِنَّما یُدْرَکُ الخَیْرُ کُلُّهُ بِالعَقْلِ؛(۴)

همه خوبی ها را به عقل می توان دریافت».

و «دِینُ المَرْءِ عَقْلُهُ وَمَنْ لا عَقْلَ لَهُ لا دِینَ لَهُ؛(۵)

دین انسان به عقل اوست و هر که عقل ندارد، دین ندارد».

ص:۸۸

۱- ۱۲۴. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۵۲، به نقل از کتاب غیبت نعمانی.

۲- ۱۲۵. بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۸۶.

۳- ۱۲۶. منتخب الاثر: فصل ۷، باب ۱۲، ص ۴۸۳، به نقل از کافی.

۴- ۱۲۷. نهج الفصاحه: حدیث ۹۰۱.

۵- ۱۲۸. همان: حدیث ۱۵۸۱.

و «اَلعَقْلُ دَلِيلُ المُؤْمِنِ؛(۱) عقل راهنمای انسان مؤمن است».

و «لَا اسْتَقامَ دِينُهُ حَتّی یَسْتَقِيمَ دِينَهُ؛(۲)

دین شخص استقامت نیابد، مگر آنکه عقل وی استقامت یابد».

«وَلا یُعْجِبُکُمْ إِسْلامُ رَجُلٍ حَتّی تَعْلَمُوا کُنْهَ عَقْلِهِ؛(۳)

نباید اسلام کسی شما را به شگفت آورد، مگر زمانی که کُنه و عمق عقل او را دریابید».

«اَلنَّاسُ یَعْمَلُونَ الخَيْراتِ وَإِنَّما یَعْمَلُونَ أُجُورَهُمْ یَوْمَ القِيامَهِ عَلی؛ قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛(۴) مردم کارهای شایسته می کنند، امّا پاداش خویش را روز قیامت به قدر عقولشان دریافت می دارند».

درمی یابیم که بهترین ره آورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام را می توان در همین ویژگی جستجو کرد. از آن رو که ریشه همه مشکلات ما - در اثر غیبت مولایمان دامن گیرمان شده - در کم سویی نور عقل و تیرگی آیینه اندیشه صحیح است.

۸ - امنیت و آسایش

در زمان او «گوسفند و گرگ» و «گاو و شیر» و «انسان و مار» به امنیت می رسند.(۵)

از صحف ادریس علیه السلام نقل شده:

«در زمان خروج قائم آل محمدعلیهم السلام امنیت به زمین بخشیده

۱- ۱۲۹. نهج الفصاحه: حدیث ۱۹۶۱.

۲- ۱۳۰. همان: حدیث ۲۶۱۹.

۳- ۱۳۱. همان: حدیث ۲۴۶۹.

۴- ۱۳۲. همان: حدیث ۳۱۵۵.

۵- ۱۳۳. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۶۱.

می شود، ضـرر رسانیـدن و ترس از یکـدیگر از بین می رود. درنـدگان و حیوانات اهلی بین مردم زندگی می کنند و برخی از آنان برخی دیگر را آزار نمی رسانند».(۱)

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«تَمْشِی المَرْئَهُ بَیْنَ العَراقِ وَالشَّامِ لا تَضَعُ قَدَمَیْها إلاَّ عَلَی النَّباتِ وَعَلی رَأْسِها زِینَتَها لا یَهِیجُها سَبُعٍ وَلا تَخافُهُ؛(۲) در دولت حضرت مهدی علیه السلام زنی بین عراق و شام راه می پیماید در حالی که گامش را - از کثرت آبادانی زمین - جز بر سبزه و گیاه نمی نهد، و با اینکه زینت و زیور خویش را بر سر و چهره دارد، هیـچ درنـده ای به او حمله نمی کنـد و آن زن - در اثر اطمینان به امنیت موجود - ترسی به دل راه نمی دهد».

۹ - یگانگی و اتحاد و محبّت

امیر المؤمنین علیه السـلام از رسول خداصـلی الله علیه وآله می پرسـد: آیا مهـدی علیه السـلام از بین ما خاندان محمدصـلی الله علیه وآله است یا از غیر ماست؟ رسول خداصلی الله علیه وآله می فرماید:

«نه! بلکه از بین ماست، خداوند دینی را به او خاتمه می بخشد چنانکه به ما آغاز فرمود و مردم به وسیله او از فتنه ها رهایی می یابنـد، چنـانکه به وسـیله مـا از شـرک نجات یافتنـد. و خداونـد به وسـیله او بعـد از دشـمنی و فتنه الفت برادرانه ایجاد می کند چنانکه به وسیله ما بعد از دشمنی شرک الفت در دین ایجاد فرمود».(۳)

۱- ۱۳۴. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۸۴.

۲- ۱۳۵. مکیال المکارم: ج ۱، ص ۱۰۱.

۳- ۱۳۶. بحار الانوار: ج ۵۱، حدیث ۱۳۴.

و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«وَیُؤَلِّفُ بِهِ مِنَ القُلُوبِ المُخْتَلِفَهِ؛(۱) و خداوند به وسیله حضرت مهدی علیه السلام بین دلهای مخالف الفت و دوستی ایجاد می کند».

و در حدیثی دیگر فرمود:

«لَوْ قَدْ قامَ قائِمُنا، لَأَنْزَلَتِ السَّماءُ قَطَرَها وَلَأَخْرَجَتِ الأَرْضُ نَباتَها وَأَذْهَبَتِ الشُّحَناءُ مِنْ قُلُوبِ العِبادِ؛(۲) اگر قائم ما قیام نماید، آسمان بارانش را نازل کند و زمین گیاهانش را برویاند، و کینه و دشمنی و ستیزه جویی از دلهای بندگان برود».

۱۰ – تطهیر زمین از گناه

امام صادق علیه السلام در بیان حال مردم پس از ظهور مهدی علیه السلام فرمود:

«وَلا یَعْصُونَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِی أَرْضِهِ؛(۳)

در زمین به نافرمانی خدا نمی پردازند».

ص:۹۱

۱- ۱۳۷. مکیال المکارم: ج ۱، ص ۵۲.

۲- ۱۳۸. همان: ص ۱۰۱.

۳- ۱۳۹. منتخب الاثر: ص ۴۹۷، حدیث ۲۲۸.

* * *

پرتوی از فرمایشات نورانی قائم آل محمدعلیه السلام

اشاره

کلام جان بخش حضرت مهدی علیه السلام، که در ضمن دیدارهایی با موالیان حقیقی و شیعیان خاص، یا در توقیعات شریفه از ناحیه مقدسه آن بزرگوار صادر شده است، در همه ابعاد، الهام دهنده، راه گشا، تعهدبخش و حرکت آفرین است.

تدبّر در نمونه هایی از سخنان حضرت می تواند شیوایی و غنای معجزه آسای آن را به ما بشناساند و در راستای شناخت بیشتر آن امام کریم و عمل به خواسته های خداجویانه و ارشادات حکیمانه ایشان یاری گرمان باشد.

معرّفی خویشتن

یگانه مظهر الهی

«أَنَا بَقِیَّهُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ؛(۱)

من یگانه مظهر الهی و باقیمانده در زمین هستم».

حجّت خدا

«أَنَا حُجَّهُ اللَّهِ عَلی عِبادِهِ؛(۲) من حجّت خداوند بر بندگان اویم».

پایان بخش سلسله وصایت

«أَنَا خاتَمُ الأَوْصِیآءِ؛(۳) من آخرین وصیّ پیامبرصلی الله علیه وآله و پایان دهنده سلسله وصایت می باشم».

ص:۹۲

۱- ۱۴۰. کلمه الإمام المهدی: ص ۵۲۴.

۲- ۱۴۱. و ۳ - همان: ص ۵۲۵.

۳- ۱۴۲.

قیام کننده

«أَنَا القآئِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍعلیهم السلام(۱)؛

من قیام کننده از خاندان پیامبر خدا حضرت محمدصلی الله علیه وآله هستم».

احیاگر عدالت

«أَنَا الَّذِی أَخْرَجُ فِی آخِرِ الزَّمانِ بِهذَا السَّیْفِ فَامْلَأِ الأَرْضَ عَدْلاً وَقِسْطاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً؛(۲) من با این شمشیر در آخر زمان قیام می کنم و زمین را از عدالت و داد آکنده می سازم چنانکه از بیداد و ستم پر شده باشد».

انتقام گیرنده

«أَنَا بَقِیَّهُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَالمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدائِهِ؛(۳) من یگانه مظهر الهی، باقیمانده در زمین و انتقام گیرنده از دشمنان خدایم».

مظهر و همراه حقّ

«وَلِیَعْلَمُوا أَنَّ الحَقَّ مَعَنا وَفِینا؛(۴)

همگان بدانند که به راستی حقّ با ما و نزد ماست».

* * *

نقش خویش در حفظ و هدایت مردم

واسطه دفع بلاها

«بِی یَدْفَعُ اللَّهُ البَلاءَ عَنْ أَهْلِی وَشِیعَتِی؛(۵) به وسیله من، خداوند متعال بلا و مصیبت را از اهل بیت و شیعیان من دور می گرداند».

۱- ۱۴۳. و ۲ - کلمه الإمام المهدی: ص ۵۲۶.

۲- ۱۴۴.

۳- ۱۴۵. الزام الناصب: ج ۱، ص ۳۵۲.

۴- ۱۴۶. کمال الدین: ج ۲، باب ۴۵، ص ۵۱۱.

۵- ۱۴۷. بحار الانوار: ج ۲، ص ۳۰، حدیث ۲۵.

سبب امنیت

«إِنِّی لَأَمانٌ لِأَهْلِ الأَرْضِ کَما أَنَّ النُّجُومَ أَمانٌ لِأَهْلِ السَّمآءِ؛(۱) همانا من موجب امنیت برای اهل زمین هستم، چنانکه ستارگان سبب امنیّت اهل آسمانهایند».

یادکرد و مراعات

«إِنَّا غَیْرُ مُهْمِلِینَ لِمُراعاتِکُمْ وَلا ناسِینَ لِذِکْرِکُمْ، وَلَوْلا ذلِکَ لَنَزَلَ بِکُمُ الأَوَّاءُ وَاصْطَلَمَکُمُ الأَعْداءُ؛(۲) ما در مراعات حال شما کوتاهی نمی کنیم و یادتان را از خاطر نمی بریم و اگر جز این بود بلاهای سنگین بر شما وارد می شد و دشمنان، شما را نابود می کردند».

مواظبت و مراقبت

«فَإِنَّا یُحِیطُ عِلْمُنا بِأَنْبآئِکُمْ وَلا یَعْزُبُ عَنَّا شَیْ ءٌ مِنْ أَخْبارِکُمْ؛(۳) ما به اوضاع و احوال شما آگاهیم و هیچ یک از اخبار شما بر ما پوشیده نیست».

بهره رسانی

«وَأَمَّا وَجْهُ الاِنْتِفاعِ بِی فِی غَیْبَتِی فَکَالاِنْتِفاعِ بِالشَّمْسِ إِذا غَیَّبَها عَنِ الأَبْصارِ السَّحابُ؛(۴) امّا چگونگی بهره بردن از من در دوران غیبتم، مانند بهره وری از خورشید است زمانی که ابرها آن را از دیدگان، پنهان ساخته باشند».

ص:۹۴

۱- ۱۴۸. بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۲- ۱۴۹. احتجاج طبرسی: ص ۴۹۷؛ بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۳- ۱۵۰. بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۴- ۱۵۱. همان: ج ۵۳، ص ۱۸۱.

* * *

وظیفه شیعیان

رجوع به دین شناسان

«وَأَمَّا الحَوادِثُ الواقِعَهُ فَارْجِعُوا فِيها إِلى رُواهِ حَدِيثِنا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِى عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّهُ اللَّهِ؛(۱) امّا در پیشامدهای روزگار، به راویان احادیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر آنان هستم».

محبّت ورزیدن

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِءٍ مِنْكُمْ ما يُقَرِّبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنا؛(۲)

پس هر یک از شما باید به آنچه او را به مقام محبّت ما نزدیک ۸می کند، عمل نماید».

دوری از گناه

«فَلْيَدَعُوا عَنْهُمْ اِتِّباعَ الهَوى (۳)

همگان باید گناه و پیروی از هوای نفس را ترک کنند».

تقوا و تسلیم

«فَاتَّقُوا اللَّهَ وَسَلِّمُوا لَنا وَرَدُّوا الأَمْرَ إِلَيْنا فَعَلَيْنَا الإِصْدارُ كَما كانَ مِنَّا الإِيرادُ؛(۴) تقوای الهی پیشه کنید و تسلیم ما باشید و امر دین را به ما ارجاع دهید، زیرا بر ماست که شما را سیراب از سرچشمه بیرون آوریم، همچنان که ما شما را به سرچشمه بردیم».

ص:۹۵

۱- ۱۵۲. بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۲- ۱۵۳. همان: ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۳- ۱۵۴. همان: ج ۵۳، ص ۱۹۰.

۴- ۱۵۵. همان: ج ۵۳، ص ۱۷۹.

دعای زیاد

«أَكْثِرُوا الـدُّعآءَ بِتَعْجِيلِ الفَرَجِ فَإِنَّ ذلِكَ فَرَجُكُمْ؛(۱) برای نزدیـک شـدن ظهور و فرج زیاد دعا کنیـد به راستی همین دعا فرج شماست».

کسب معارف از اهل بیت علیهم السلام

«طَلَبُ المَعـارِفِ مِنْ غَيْرِ طَرِيقِنـا أَهْلِ البَيْتِ مُساوِقٌ لِإِنْكارِنا؛(۲) جسـتجوی معـارف و دانش هـا جز از طریق مـا اهل بیت علیهم السلام مساوی با انکار ما است».

* * *

شرط یاری

اخلاص و خیرخواهی و تقوا

۸«إِنَّ اللَّهَ قَنَعَنـا بِعَوآئِدِ إِحْسـانِهِ وَفَوائِدِ امْتِنـانِهِ وَصـانَ أَنْفُسَـنا عَنْ مُعاوَنَهِ الأَوْلِيآءِ، إِلَّا عَنِ الإِخْلاصِ فِي النِّيَّهِ وَإِمْحاضِ النَّصِيحَهِ وَالمُحافَظَهِ عَلى ما هُوَ أَتْقى وَأَبْقى وَأَرْفَعُ ذِكْراً؛(۳) به یقین، خداوند ما را به لطف و احسان مکرّر خویش و به بهره های انعام و کرم خود راضـی و خوشـنود سـاخته، و مـا را نیازمنـد یـاری دوسـتان قرار نـداده، مگر آن یـاری که از روی اخلاص در نیّت و خیرخواهی محض صورت گیرد و در آن بر آنچه به تقوای الهی و بقـای نزد خـدا و رفعت جایگـاه نزدیـک تر است، محافظت شود».

ص:۹۶

۱- ۱۵۶. کمال الدین: ج ۲، ص ۴۸۳.

۲- ۱۵۷. المختار من کلمات الامام المهدی: ج ۲، ص ۱۳۶.

۳- ۱۵۸. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۷.

اتّحاد و اجتماع

«وَلَوْ أَنَّ أَشْياعَنا - وَفَّقَهُمُ اللّهُ لِطاعَتِهِ - عَلَى اجْتِماعٍ مِنَ القُلُوبِ فِى الوَفاءِ بِالعَهْدِ عَلَيْهِمْ لِما تَأَخَّرَ عَنْهُمُ اليُمْنَ بِلِقآئِنا؛(۱)

اگر شیعیان - که خدا برای اطاعت خود توفیق شان دهد - در راه وفای به پیمانی که بر عهده دارند، همدل و همراه می شدند، سعادت دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمی افتاد».

پرداخت حقوق الهی

«إِنَّهُ مَنِ اتَّقی رَبَّهُ مِنْ إِخْوانِکَ فِی الدِّینِ وَخَرَجَ عَلَیْهِ بِما هُوَ مُسْتَحِقُّهُ کانَ آمِناً مِنَ الفِتْنَهِ المُظِلَّهِ؛(۲)

همانا هر یک از برادران دینی تو پرهیزکار باشد و حقوق الهی را که بر عهده دارد به مستحقّین آن بپردازد - به برکت دعا و یاری ما - در فتنه های باطل کننده و ویرانگر، ایمن و محفوظ خواهد ماند».

پرهیز از گناه

«فَما یَحْبِسُنا عَنْهُمْ إِلاَّ ما یَتَّصِلُ بِنا مِمَّا نُکْرِهُهُ وَلا نُؤَثِّرُهُ مِنْهُمْ؛(۳)

ما را - از دیدار و یاری شیعیانمان - باز نمی دارد، مگر آنچه از کردارهای ناپسند آنان به ما می رسد که برای ما ناخوشایند است و توقّع آن را از ایشان نداریم».

۱- ۱۵۹. و ۲ و ۳ - بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۲- ۱۶۰.

۳- ۱۶۱.

* * *

درباره ظهور

وابستگی به اراده خدا

«وَأَمَّا ظُهُورُ الفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَی اللَّهِ؛(۱)

امّا امر ظهور فرج، بسته به اراده خداست».

ناگهانی بودن

«فَإِنَّ أَمْرَنا بَغْتَهٌ فَجْأَهٌ حِینَ لا تَنْفَعُهُ تَوْبَهٌ... کَذِبَ الوَقَّاتُونَ؛(۲) به درستی که امر ما (ظهور) ناگهانی است، هنگامی که توبه سودی نبخشد... و تعیین کنندگان وقت ظهور دروغگویند».

رهایی از طواغیت

«وَإِنِّی أَخْرُجُ حِینَ أَخْرُجُ وَلا بَیْعَهَ لِأَحدٍ مِنَ الطَّواغِیتِ فِی عُنُقِی؛(۳) به یقین، من در حالی قیام خواهم کرد که بیعت هیچ یک از طاغوتهای دوران، بر گردنم نباشد».

حادثه ای در مکّه

«وَآیَهُ حَرَکَتِنا مِنْ هـذِهِ اللَّوْثَهِ حادِثَهٌ بِالحَرَمِ المُعَظَّمِ، مِنْ رِجْسِ مُنافِقٍ مُذَمَّمٍ، مُسْتَحِلٍّ لِلدَّمِ المُحَرَّمِ، یَعْمِدُ بِکَیْدِهِ أَهْلَ الإِیمانِ؛(۴) نشانه حرکت ما از این خانه نشینی، واقعه ای در حرم باعظمت مکّه است، حادثه ای که در اثر پلیدی شخصی منافق و نکوهیده پدید می آید که خونریزی را حلال می شمارد و با مکر و نیرنگ، قصد جان مؤمنان می نماید».

۱- ۱۶۲. کمال الدین: ص ۴۸۴.

۲- ۱۶۳. احتجاج: ج ۲، ص ۴۹۷ و ۴۷۰.

۳- ۱۶۴. بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۴- ۱۶۵. همان: ج ۵۳، ص ۱۸۱.

«فَإِذا أَذِنْتَ فِی ظُهُورِی فَأَیِّدْنِی بِجُنُودِکَ وَاجْعَلْ مَنْ یَتْبَعُنِی لِنَصْرِهِ دِینَکَ مُؤَیِّدِینَ وَفِی سُبُلِکَ مُجاهِدِینَ؛(۱) خدایا زمانی که اجازه ظهور به من می دهی، مرا به لشکریان خود یاری فرما، همه کسانی را که برای یاری دین تو، به پیروی از من برمی خیزند تأیید کن و آنان را جهادگر در راه خودت قرار بده».

* * *

درباره اهل بیت علیهم السلام

واسطه آفرینش و رزق

«وَأَمَّا الأَئِمَّهُعلیهم السلام فَإِنَّهُمْ یَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعالی فَیَخْلُقُ، وَیَسْأَلُونَهُ فَیَرْزُقُ إِیجاباً لِمَسْأَلَتِهِمْ وَإِعْظاماً لِحَقِّهِمْ؛(۲) امّا امامان علیهم السلام از خدای تعالی درخواست می کنند و خداوند به خاطر اجابت درخواست آنان و بزرگداشت حقّ ایشان، موجودات را می آفریند و روزی می بخشد».

الگو بودن حضرت زهراعلیها السلام

«وَفِی ابْنَهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله إِلَیَّ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ؛(۳)

و در دختر رسول خداصلی الله علیه وآله برای من اسوه و الگویی نیکوست».

عزاداری امام حسین علیه السلام

«فَلَئِنْ أَخَّرَتْنِیَ الدُّهُورُ، وَعاقَنِی عَنْ نَصْرِکَ المَقْدُورُ، وَلَمْ أَکُنْ لِمَنْ حارَبَکَ مُحارِباً وَلِمَنْ نَصَبَ لَکَ العِداوَهَ مُناصِباً، فَلَأُنَدِّبَنَّکَ صَباحاً

۱- ۱۶۶. مهج الدعوات: ص ۳۰۲.

۲- ۱۶۷. احتجاج: ج ۲، ص ۴۷۲.

۳- ۱۶۸. همان: ج ۲، ص ۴۶۷.

وَمَسآءً وَلَأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَماً؛(۱) اگرچه روزگار مرا به تأخیر انداخت، و تقدیر الهی مرا از یاری تو بازداشت و نبودم تا با آنان که علیه تو جنگیدند بجنگم، و با کسانی که به دشمنی تو برخاستند بستیزم، در عوض هر صبح و شام بر تو ناله می کنم و به جای اشک در عزای تو خون از دیده می بارم».

۱- ۱۶۹. بحار الانوار: ج ۹۸، ص ۳۱۷.

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۱قرآن کریم (چهار رنگ / رحلی)

نیریزی / الهی قمشه ای

۶۰۰۰۰

۲قرآن کریم

نیریزی / الهی قمشه ای

۳۰۰۰۰

۳کلیات مفاتیح الجنان (وزیری)

افشاری / الهی قمشه ای

۳۰۰۰۰

۴کلیات مفاتیح الجنان (جیبی)

افشاری / الهی قمشه ای

۲۵۰۰۰

۵کلیات مفاتیح الجنان (نیم جیبی)

افشاری / الهی قمشه ای

۱۵۰۰۰

۶منتخب مفاتیح الجنان

محمد حسینی موحد

۵۰۰۰

۷ارتباط با خدا

واحد تحقیقات

۲۰۰۰

۸آئینه اسرار

حسین کریمی قمی

۵۰۰۰

۹آخرین خورشید پیدا

واحد تحقیقات

۱۸۰۰

۱۰

از زلال ولایت

واحد تحقیقات

۵۲۰۰

۱۱

اعتکاف، تطهیر صحیفه اعمال

واحد تحقیقات

نایاب

۱۲

امامت، غیبت، ظهور

واحد تحقیقات

۵۰۰۰

۱۳

امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام

علم الهدی/ واحد تحقیقات

۴۰۰۰

۱۴

امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان

سهراب علوی

۴۰۰۰

۱۵

انتظار بهار باران

واحد تحقیقات

۳۰۰۰

۱۶

انتظار و انسان معاصر

عزیز اللّه حیدری

۴۰۰۰

۱۷

انوار پراکنده

بحرالعلوم گیلانی

نایاب

۱۸

اهمیت اذان و اقامه

محمد محمدی اشتهاردی

۳۰۰۰

۱۹

پرچمدار نینوا

محمد محمدی اشتهاردی

۸۰۰۰

ص:۱۰۱

۲۰

تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله (دو جلد)

شیخ عباس صفایی حائری

۶۰۰۰۰

۲۱

تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام (دو جلد)

شیخ عباس صفایی حائری

۴۲۰۰۰

۲۲

تاریخ سید الشهداءعلیه السلام

شیخ عباس صفایی حائری

۲۸۰۰۰

۲۳

تاریخچه مسجد مقدس جمکران

(فارسی) واحد تحقیقات

۱۵۰۰

۲۴

تاریخچه مسجد مقدس جمکران

(عربی) واحد تحقیقات

۲۰۰۰

۲۵

تاریخچه مسجد مقدس جمکران

(انگلیسی) واحد تحقیقات

۱۵۰۰

۲۶

تاریخچه مسجد مقدس جمکران

(اردو) واحد تحقیقات

۱۵۰۰

۲۷

تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام

سید جعفر میرعظیمی

۷۰۰۰

۲۸

جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام

حسین علی پور

۵۰۰۰

۲۹

چهل حدیث امام مهدی در کلام امام علی

سید صادق سید نژاد

۱۵۰۰

۳۰

حضرت مهدی فروغ تابان ولایت

محمد محمدی اشتهاردی

۱۰۰۰۰

۳۱

خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)

عباس حسینی جوهری

۲۵۰۰۰

۳۲

خوشه های طلائی (مجموعه اشعار)

محمد علی مجاهدی

۱۶۰۰۰

۳۳

داستانهایی از امام زمان علیه السلام

حسن ارشاد

۱۰۰۰۰

۳۴

داغ شقایق (مجموعه اشعار)

علی مهدوی

۷۵۰۰

۳۵

در جستجوی قائم علیه السلام

سید مجید پور طباطبایی

نایاب

۳۶

در جستجوی نور

صافی، سبحانی، کورانی

۱۶۰۰

۳۷

در کربلا چه گذشت

شیخ عباس قمی/کوه کمره ای

۳۲۰۰۰

۳۸

دلشده در حسرت دیدار دوست

زهرا قزلقاشی

۲۰۰۰

۳۹

رسول ترک

محمد حسن سیف اللهی

۶۰۰۰

۴۰

زیارت ناحیه مقدّسه

واحد تحقیقات

۲۰۰۰

۴۱

سحاب رحمت

عباس اسماعیلی یزدی

۲۸۰۰۰

ص:۱۰۲

۴۲

سرود سرخ انار

الهه بهشتی

۲۵۰۰

۴۳

سقا خود تشنه دیدار

طهورا حیدری

۱۵۰۰

۴۴

سیمای مهدی موعود در شعر فارسی

محمد علی مجاهدی

۱۷۰۰۰

۴۵

سیمای امام مهدی درشعرعربی

دکتر عبد اللهی

۱۲۰۰۰

۴۶

ظهور حضرت مهدی علیه السلام

سید اسداللّٰه هاشمی شهیدی

۲۵۰۰۰

۴۷

عریضه نویسی

سید صادق سید نژاد

۴۰۰۰

۴۸

عطر سیب

حامد حجتی

۱۵۰۰

۴۹

عقد الدرر (عربی)

المقدّس الشافعی/نظری منفرد

۲۵۰۰۰

۵۰

علی علیه السلام مروارید ولایت

واحد تحقیقات

۲۰۰۰

۵۱

علی علیه السلام و پایان تاریخ

سید مجید فلسفیان

۹۰۰۰

۵۲

فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام

سید محمد واحدی

۶۰۰۰

۵۳

فوز اکبر

محمد باقر فقیه ایمانی

۹۰۰۰

۵۴

کرامات المهدی علیه السلام

واحد تحقیقات

۳۰۰۰

۵۵

کرامت های حضرت مهدی علیه السلام

واحد تحقیقات

۵۰۰۰

۵۶

گردی از رهگذر دوست (شعر)

علی اصغر یونسیان

۱۴۰۰۰

۵۷

گفتمان مهدویت

آیت اللّه صافی گلپایگانی

۷۵۰۰

۵۸

گنجینه نور و برکت

حسینی اردکانی(ره)

۲۰۰۰

۵۹

مشکاه الانوار

علامه مجلسی(ره)

۸۰۰۰

۶۰

مفرد مذکر غائب

علی مؤذنی

۳۹۰۰

۶۱

مکیال المکارم (دو جلد)

سیدمحمدتقی موسوی اصفهانی(ره)

۵۵۰۰۰

۶۲

منازل الآخره

شیخ عباس قمی(ره)

۷۵۰۰

۶۳

منشور نینوا

مجید حیدری فر

۲۲۰۰۰

ص:۱۰۳

۶۴

مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات

عزیز اللّٰه حیدری

۱۰۰۰۰

۶۵

مهدی منتظر دراندیشه اسلامی

العمیدی / محبوب القلوب

۸۵۰۰

۶۶

مهدی موعودعلیه السلام (دو جلد)

علامه مجلسی / ارومیه ای

۶۰۰۰۰

۶۷

مهر بیکران

محمد حسن شاه آبادی

۵۰۰۰

۶۸

میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس)

سید مهدی حائری قزوینی

۸۰۰۰

۶۹

ناپیدا ولی با ما

واحد تحقیقات

۲۰۰۰

۷۰

ناپیدا ولی با ما (انگلیسی)

واحد تحقیقات

۲۰۰۰

۷۱

نجم الثاقب

میرزا حسین نوری(ره)

۳۰۰۰۰

۷۲

نشانه های ظهور او

محمد خادمی شیرازی

۷۰۰۰

۷۳

نشانه های یار و چکامه انتظار

مهدی علیزاده

۵۰۰۰

۷۴

و آن که دیرتر آمد

الهه بهشتی

۳۰۰۰

۷۵

وظایف منتظران

واحد تحقیقات

۲۰۰۰

۷۶

ویژگیهای حضرت زینب علیها السلام

سید نورالدین جزائری

۱۲۰۰۰

۷۷

هدیه احمدیه (جیبی)

میرزا احمد آشتیانی

۱۵۰۰

۷۸

هدیه احمدیه (نیم جیبی)

میرزا احمد آشتیانی

۷۰۰

۷۹

یاد مهدی علیه السلام

محمد خادمی شیرازی

۱۱۰۰۰

۸۰

یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)

محمد حجتی

۱۵۰۰۰

۸۱

ینابیع الحکمه (عربی / پنج جلد)

عباس اسماعیلی یزدی

۱۲۵۰۰۰

جهت تهیه و خرید کتابهای فوق، می توانید با نشانی:

قم – صندوق پستی ۶۱۷ ، انتشارات مسجد مقدس جمکران

مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ – ۰۲۵۱

تماس حاصل فرمایید.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹